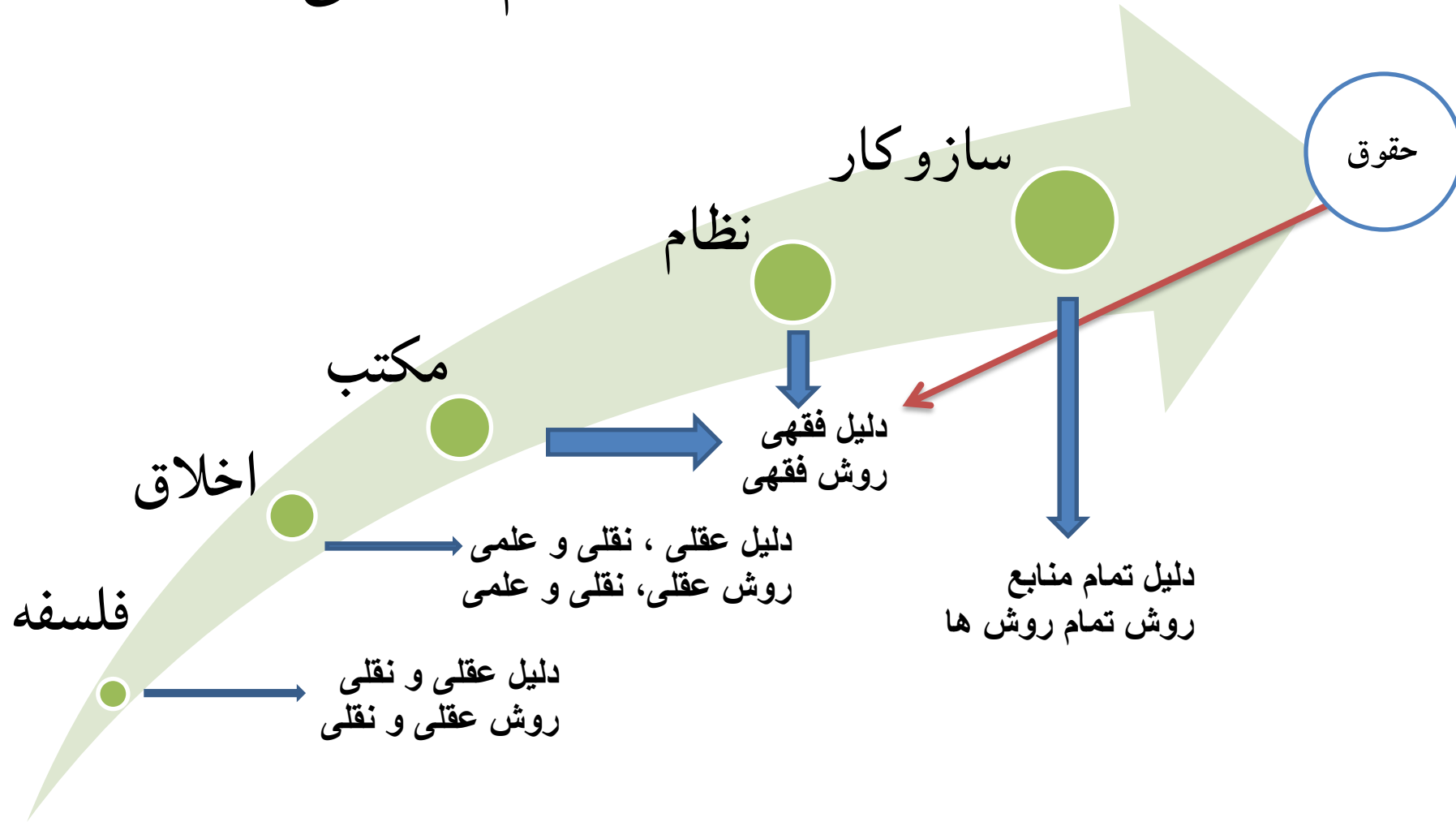


# خارج الفقہ

۱۹-۱۱-۲۷ فقہ اکبر (مکاتب و نظام ها) ۱۹

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني

سیستم اسلامی



# روش دستیابی به فلسفه، مکتب، نظام و سازوکار

۱ - استخراج و کشف عناصر دینی.

۲ - تفکیک عناصر جهان شمول از موقعیتی.

۳ - دست یابی به عناصر جهان شمول در وراء عناصر موقعیتی

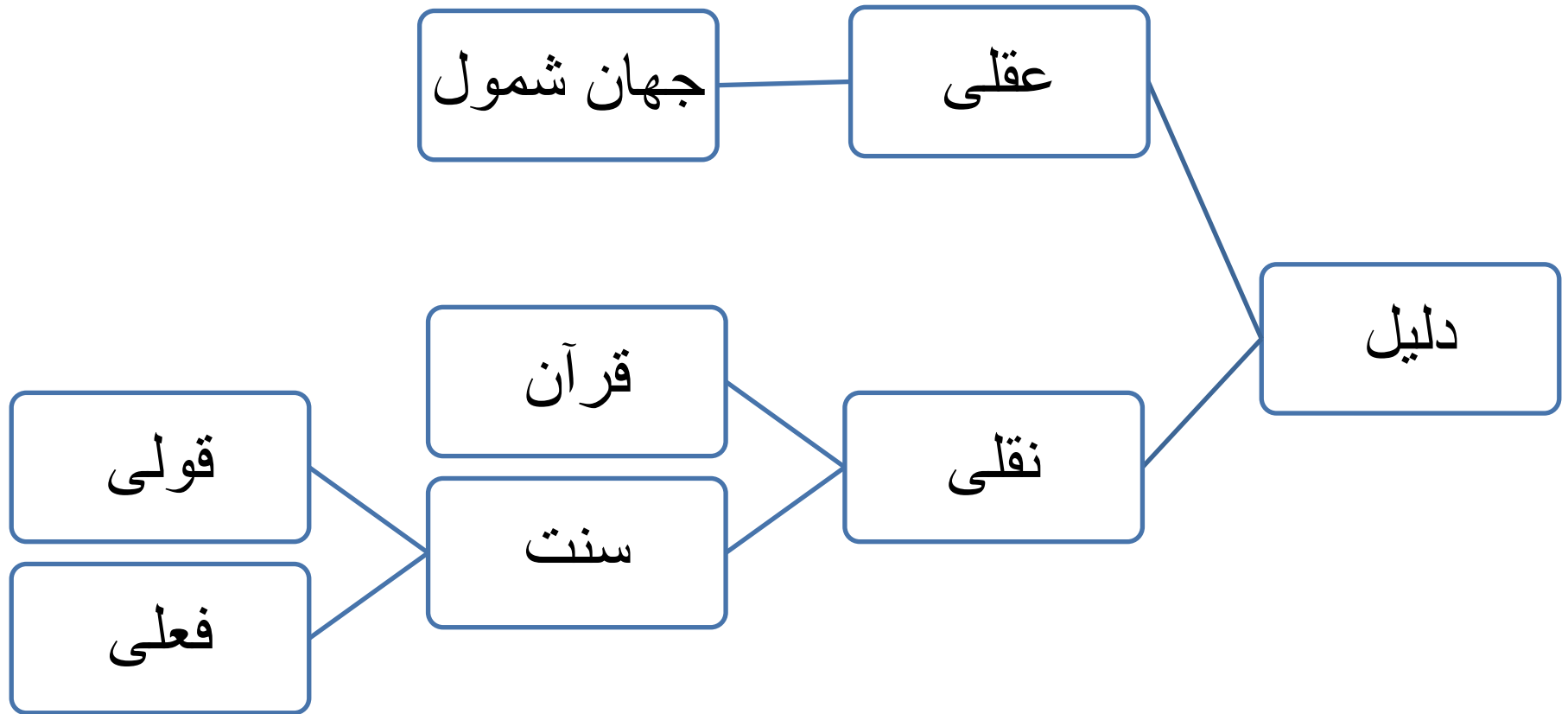
۴ - طبقه بندی عناصر جهان شمول

۵ - هماهنگ سازی عناصر جهان شمول

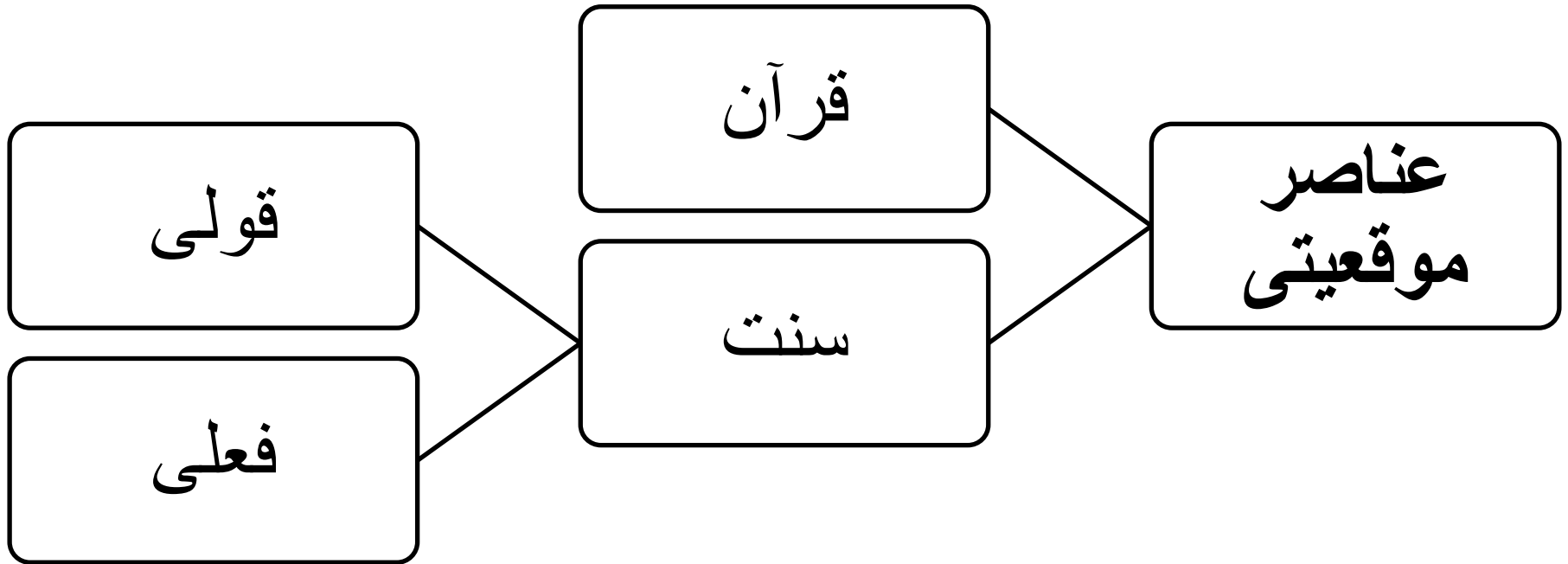
۶ - طراحی سازوکار بر اساس عناصر جهان شمول.

مراحل  
دستیابی به  
فلسفه، اخلاق  
مکتب، نظام و  
سازوکار

# نظريه اندیشه مدون در اسلام

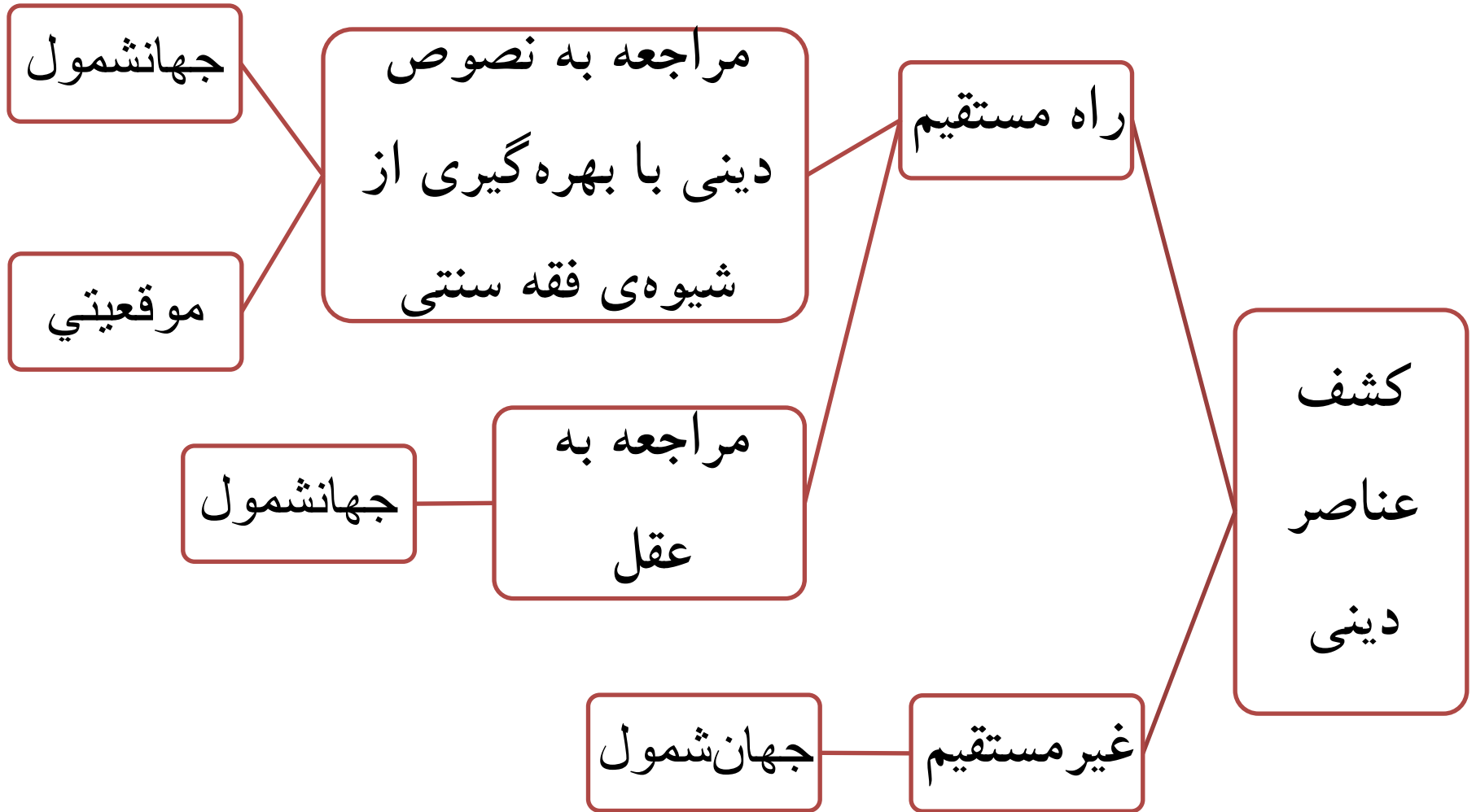


# نظريه اندیشه مدون در اسلام



# اصالت جهان شمولی عناصر دینی

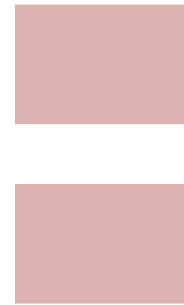
کشف عناصر دینی



مبانی  
مکتب  
اقتصادی  
اسلام



اهداف  
مکتب  
اقتصادی  
اسلام



مکتب  
اقتصادی  
اسلام



اهداف  
مکتب  
اقتصادی  
اسلام

نظام  
اقتصادی  
اسلام

مبانی  
مکتب  
اقتصادی  
اسلام

اهداف مکتب

اقتصادی

اسلام

مبانی مکتب

اقتصادی

اسلام

تحقق خارجی

مبانی مکتب

اقتصادی

اسلام

اهداف مکتب

اقتصادی

اسلام

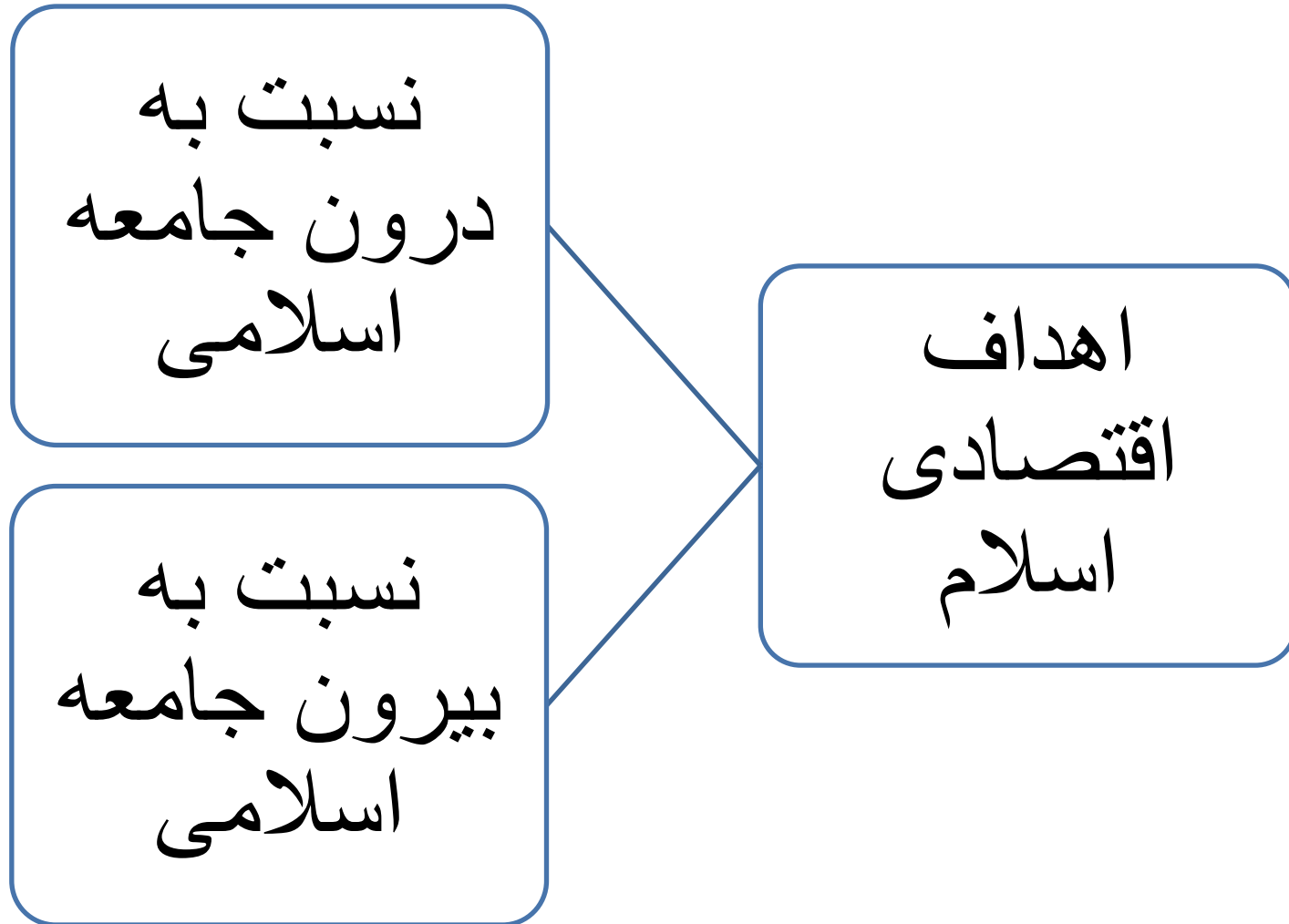
تحقیق علمی

## شاخص اصلی توسعه اسلامی

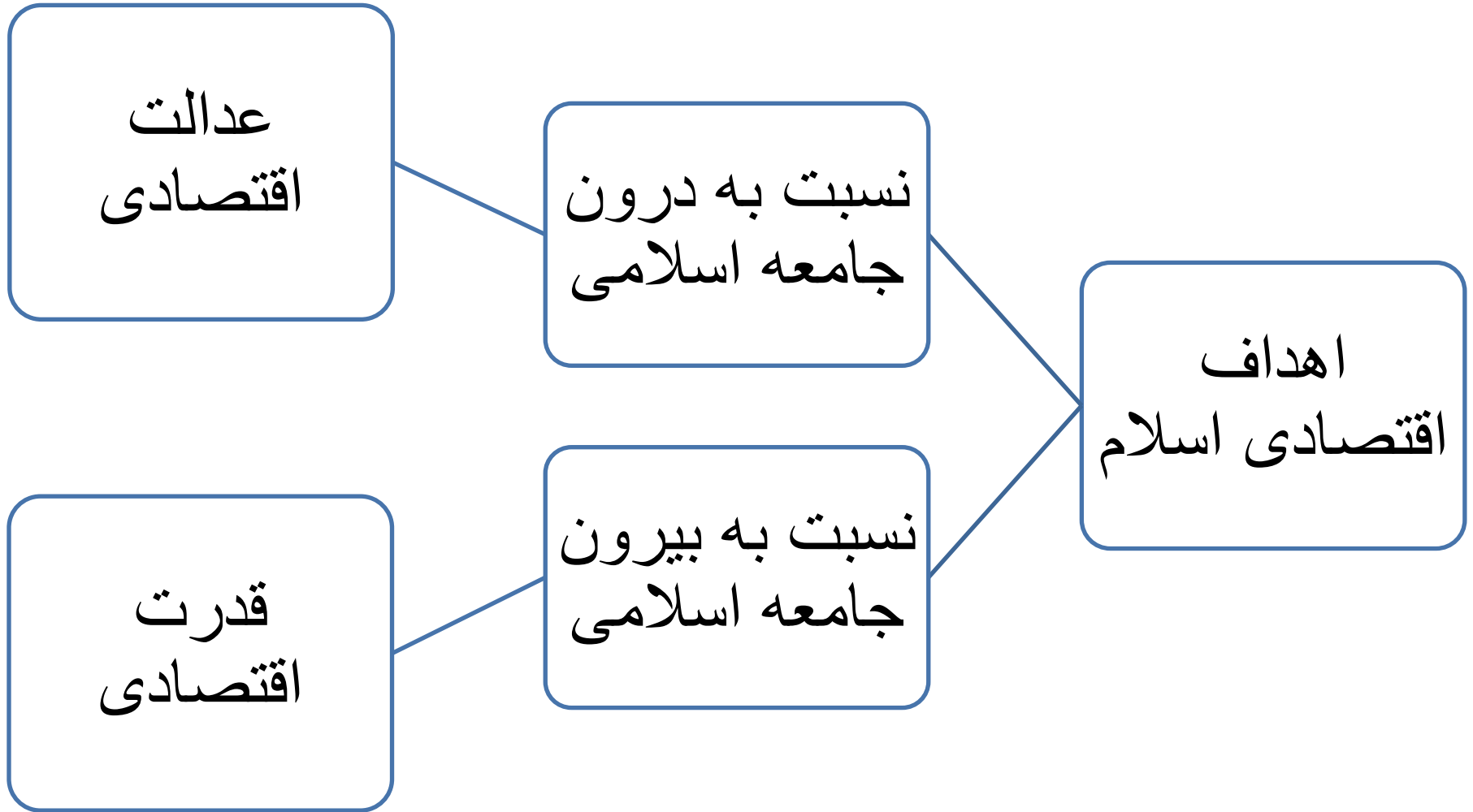
توسعه باور دینی

توسعه رفتار (عمل) دینی

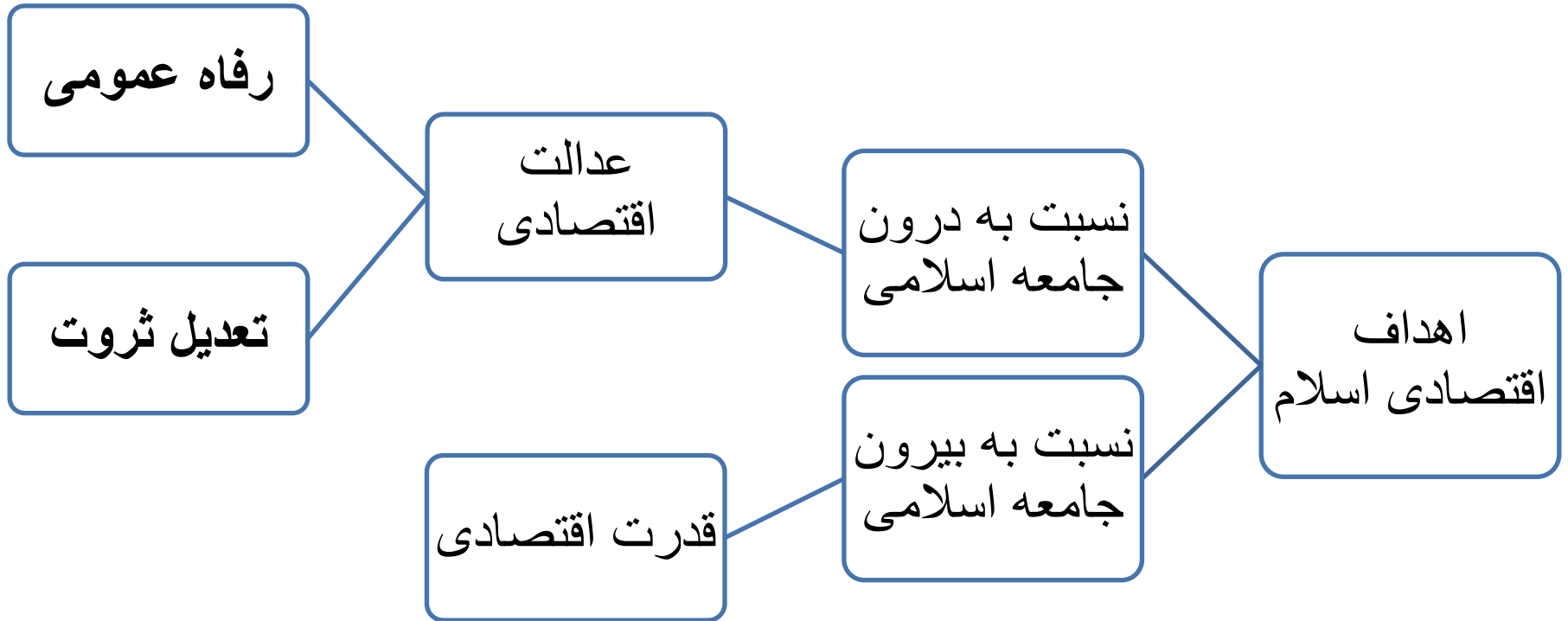
# توسعه یافتگی اقتصادی



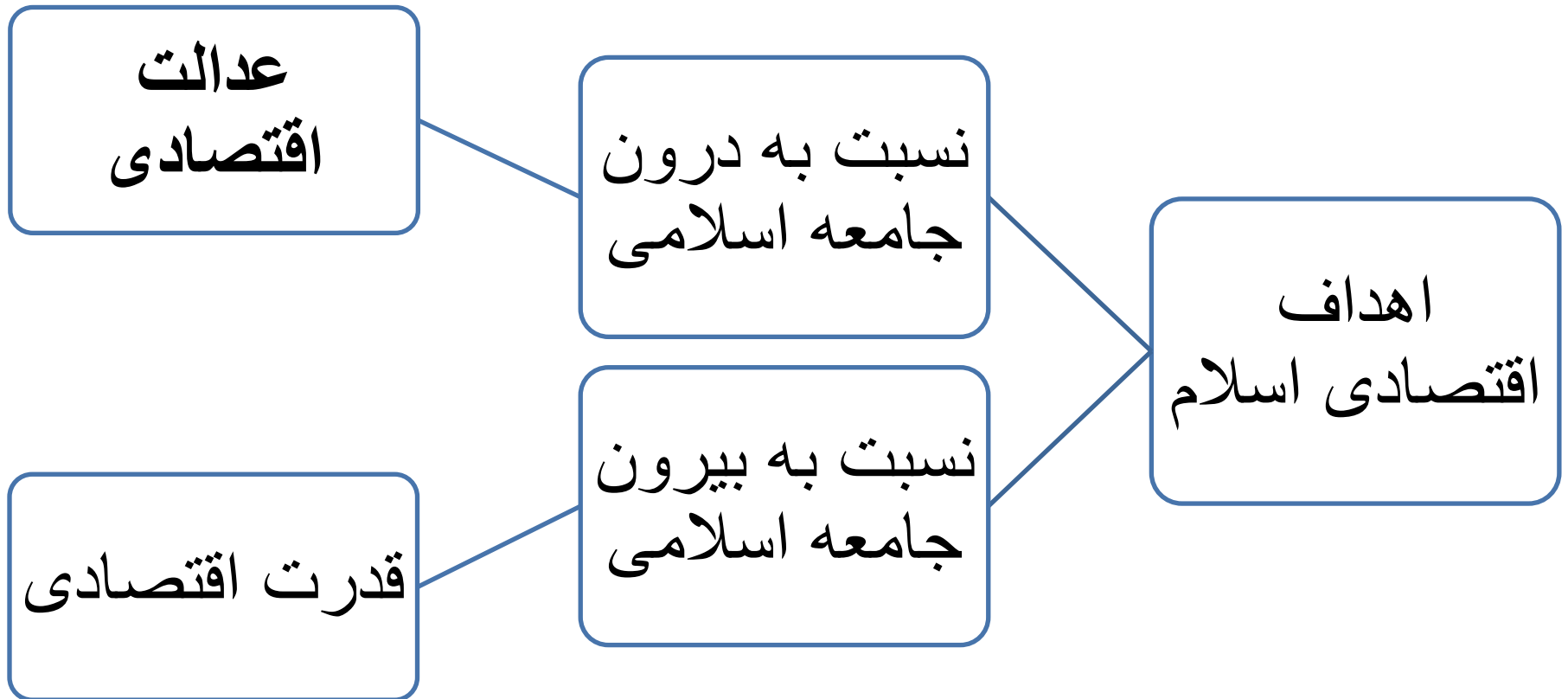
# توسعه یافتگی اقتصادی



# توسعه یافتگی اقتصادی



# توسعه یافتگی اقتصادی





## ۱. عدالت اقتصادی

- خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

- لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان **لیقوم الناس بالقسط** (حدید، ۲۵)

- به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازورا فرود آوردیم تا مردم به انصاف و عدل برخیزند.

## ۱. عدالت اقتصادی

- انّ الله يأمر بالعدل و الاحسان و ایتای ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی (نحل، ۹۰)
- در حقیقت، خدا به عدل و دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد.

## ۱. عدالت اقتصادی

- در مورد عدالت اجتماعی به آیات دیگر نیز می‌توان تمسک نمود که چون ممکن است در دلالتشان اشکال شود ما آنها را جداگانه ذکر می‌کنیم: از جمله آیه شریفه:
- **وَأْمُرُوا بِالْعَدْلِ بَيْنَكُمْ** (شوری، ۱۵)
- **وَمَا أُمِرُوا شَدَمَ كَمَا بَيْنَ شَمَا عَدَالَتِ كَنَمَ (۵۳).**

## ۱. عدالت اقتصادی

- در آیه دیگر می‌فرماید:
- قل أمر ربّي بالقسط (اعراف، ۲۹)
- ای پیامبر، بگو پروردگارم به عدل و دادگری فرمان داده‌است (۵۵).
- مراد از قسط در این آیه همان معنای لغویش، یعنی عدل و دادگری است و لذا در دلالت بر مقصود همانند آیه قبل می‌باشد.

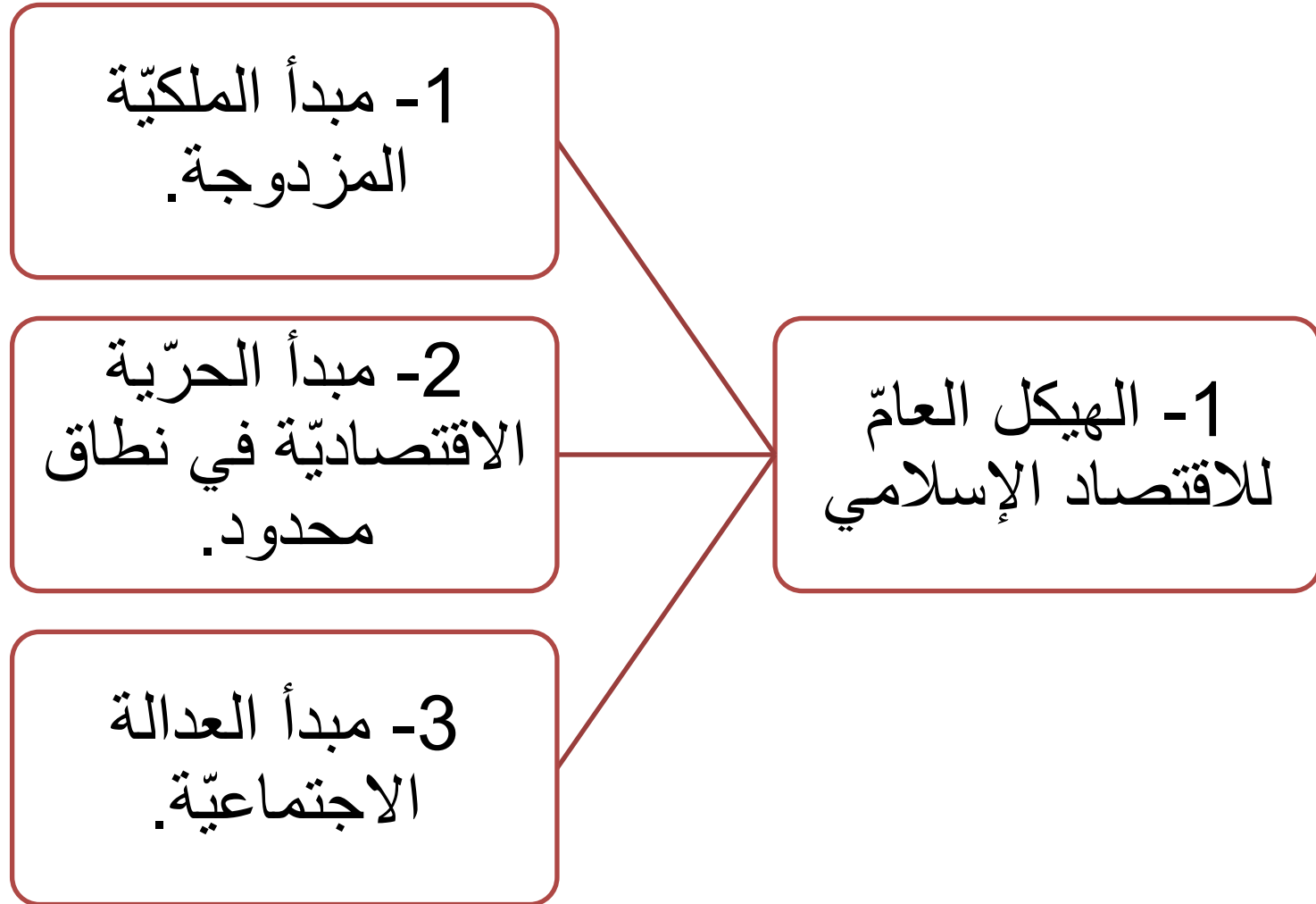
## ۱. عدالت اقتصادی

- در جای دیگری خداوند می فرماید:
- «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین بالقسط شهداء لله (نساء ۱۳۵)
- ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید (۵۶).

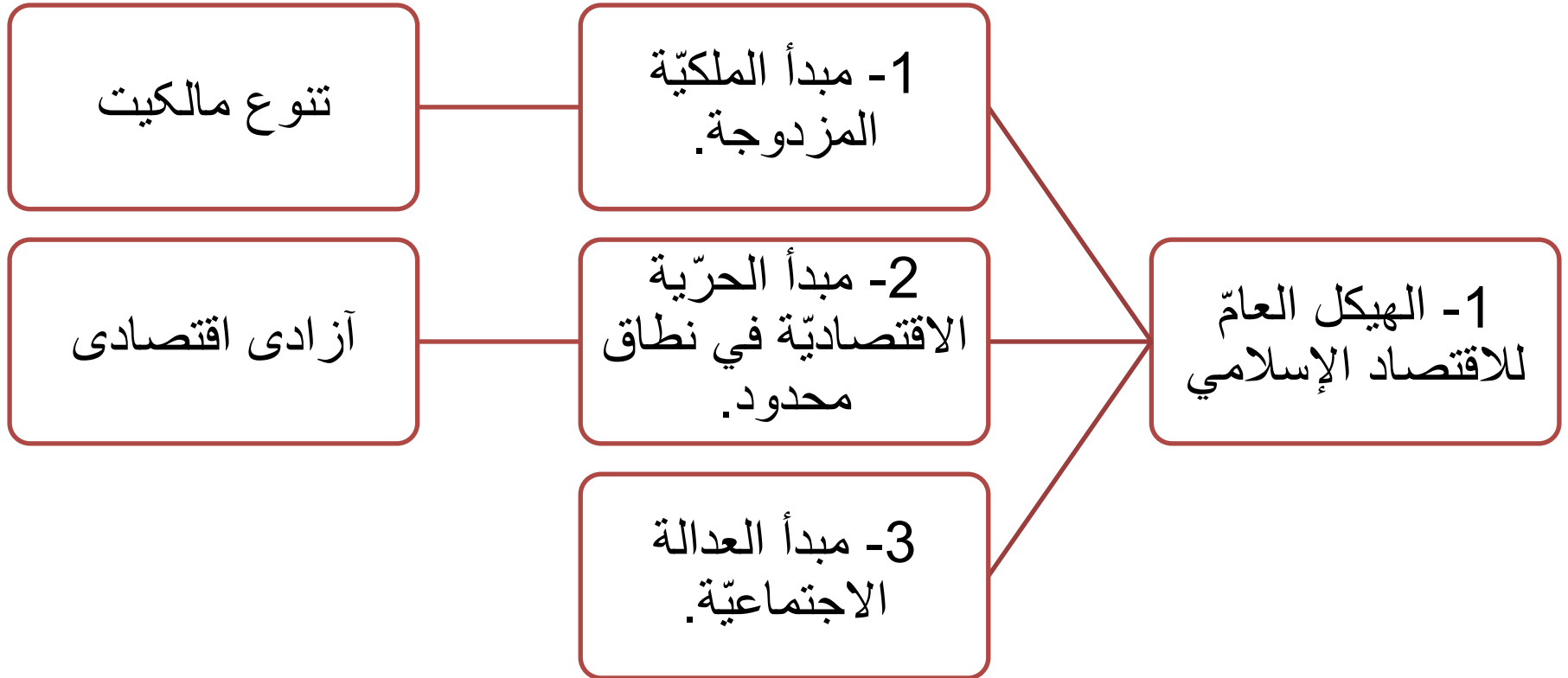
## عدالت اقتصادی اسلام و غیر مسلمانان

- و آیه ذیل بر این مطلب دلالت دارد.
- «لا ینهیکم اللہ عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یرجوکم من دیارکم أن تبرؤهم **وتقسطوا** إلیهم إن اللہ یحبّ المقسطین» (ممتحنه، ۸)
- ؛ خداوند شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد (۵۹).

# ١. عدالت اقتصادي

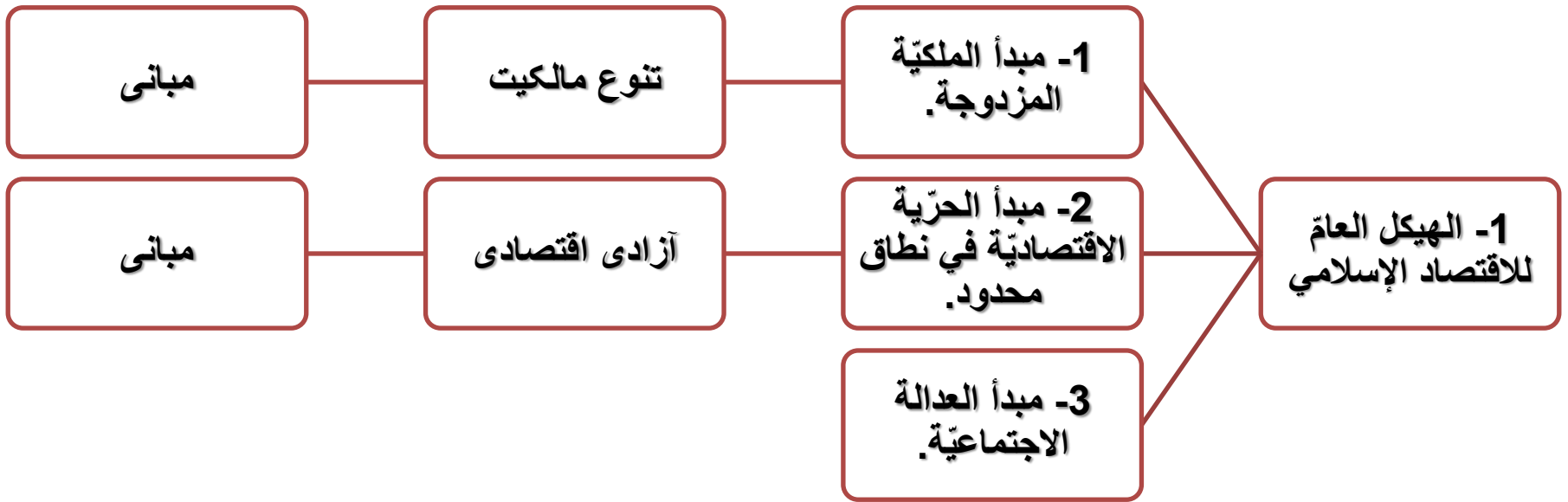


# ١. عدالت اقتصادى

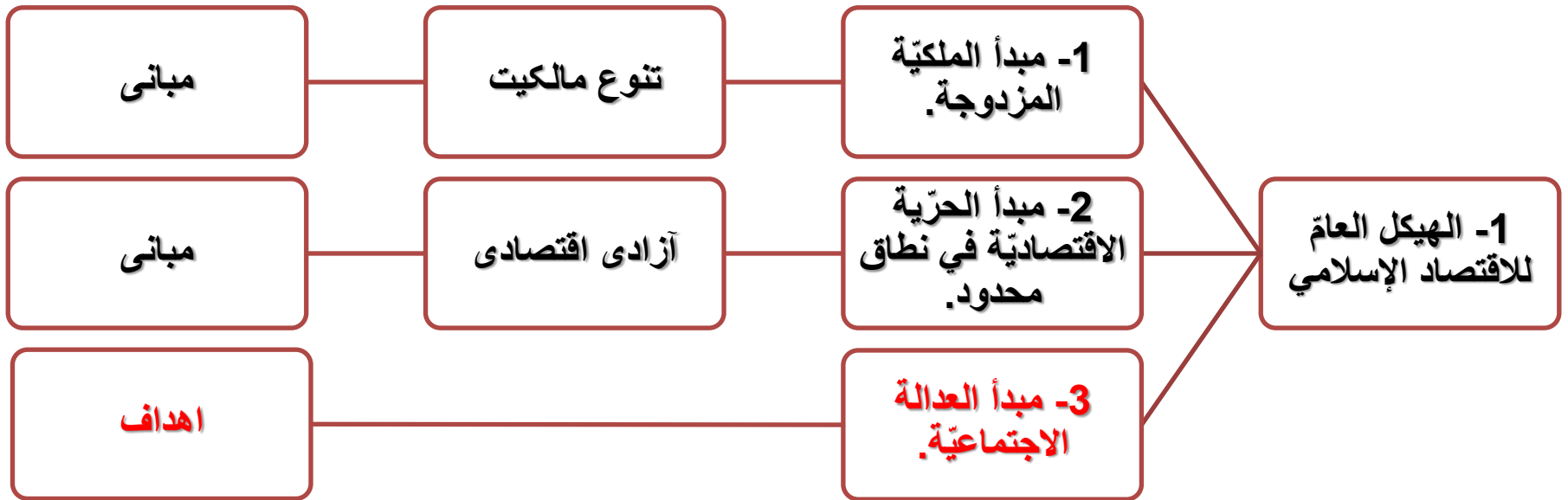




# ١. عدالت اقتصادى



# ١. عدالت اقتصادى



## ١. عدالت اقتصادى

- فإنّ الإسلام حين أدرج العدالة الاجتماعية ضمن المبادئ الأساسية التى يتكوّن منها مذهب الاقتصادى لم يتبنّ العدالة الاجتماعية بمفهومها التجريدى العامّ، ولم ينادِ بها بشكل مفتوح لكلّ تفسير، ولا أوكله إلى المجتمعات الإنسانيّة التى تختلف فى نظرتها للعدالة الاجتماعية باختلاف أفكارها الحضاريّة ومفاهيمها عن الحياة،
- وإنما حدّد الإسلام هذا المفهوم وبلوره فى مخطّط اجتماعى معيّن، واستطاع بعد ذلك أن يجسّد هذا التصميم فى واقع اجتماعى حتىّ تنبض جميع شرايينه وأوردته بالمفهوم الإسلامى للعدالة.

## ١. عدالت اقتصادى

- فلا يكفى أن نعرف من الإسلام مناداته بالعدالة الاجتماعية، وإنما يجب أن نعرف أيضاً تصورات التفصيلية للعدالة ومدلولها الإسلامى الخاص.

مبدأ التكافل  
العالم.

مبدأ التوازن  
الاجتماعي

مبدأ العدالة  
الاجتماعية

## ١. عدالت اقتصادی

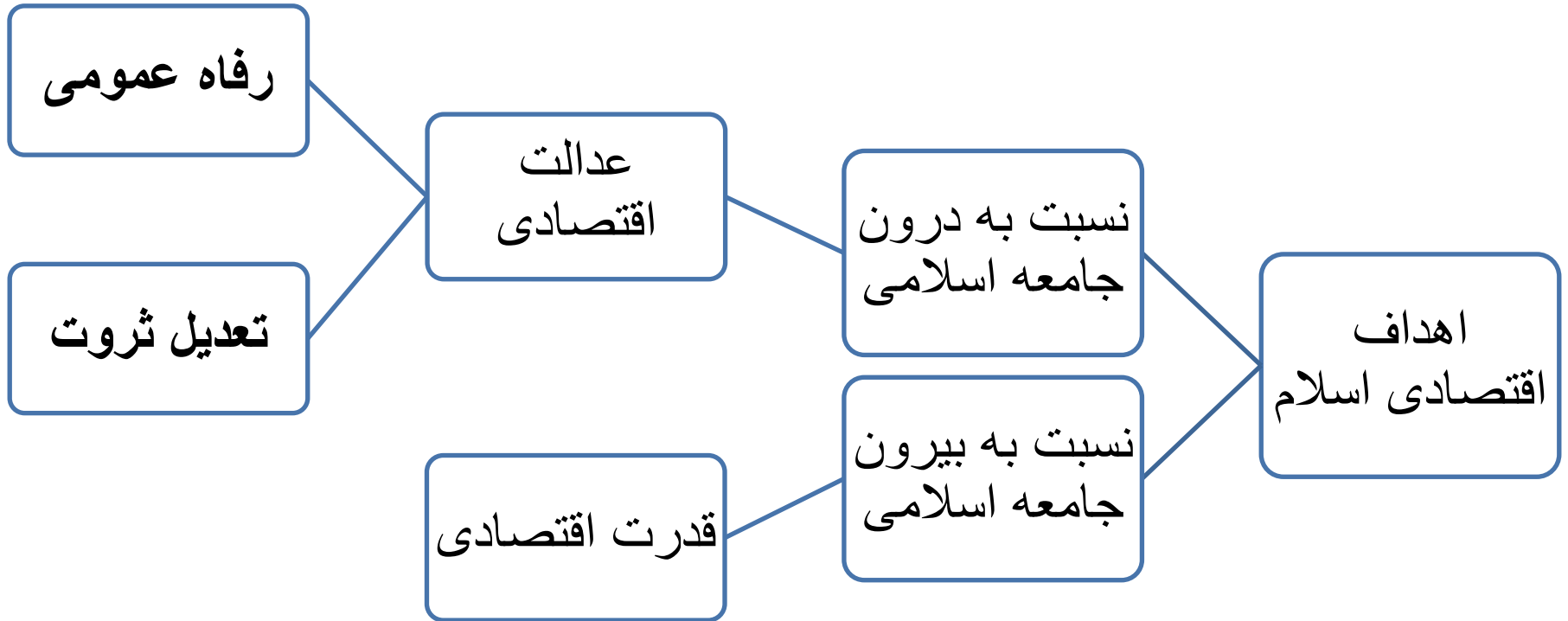
- «أما بعد أيها الناس، فقدّموا لأنفسكم، تعلمنّ واللّه ليصعقنّ أحدكم، ثمّ ليدعنّ غنمه ليس لها راع، ثمّ ليقولنّ له ربّه ألم يأتك رسولى فبلغك، وأتيتك مالاً وأفضلت عليك؟! فما قدّمت لنفسك؟!»
- فليظرنّ يميناً وشمالاً فلا يرى شيئاً، ثمّ لينظرنّ قدّامه فلا يرى غير جهنم.
- فمن استطاع أن يقى وجهه من النار ولو بشقّ تمرّة فليفعل، ومن لم يجد فبكلمة طيبة، فإنّها تجزى الحسنة عشرة أمثالها إلى سبعمئة ضعف،
- والسلام عليكم ورحمة اللّه وبركاته» «١».

## ١. عدالت اقتصادى

- وبدأ عمله السياسى بالمؤاخاة بين المهاجرين والأنصار وتطبيق مبدأ التكافل بينهم «٢»، بغية تحقيق العدالة الاجتماعیة التى يتوخاها الإسلام.

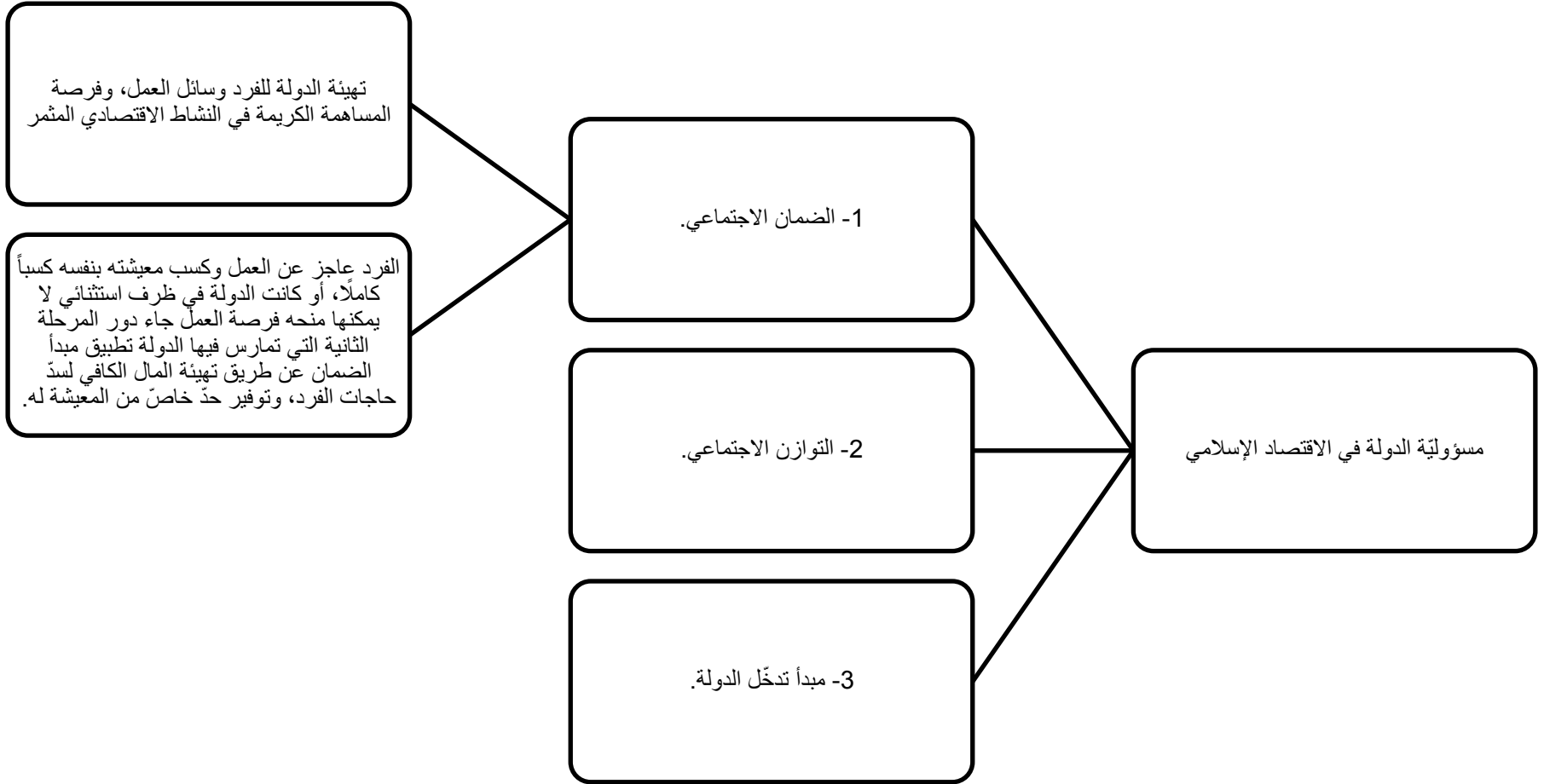
- (٢) السيرة الحلبیة ٢: ٢٩٢

# توسعه یافتگی اقتصادی





# ١. عدالت اقتصادي



# ١. عدالت اقتصادي

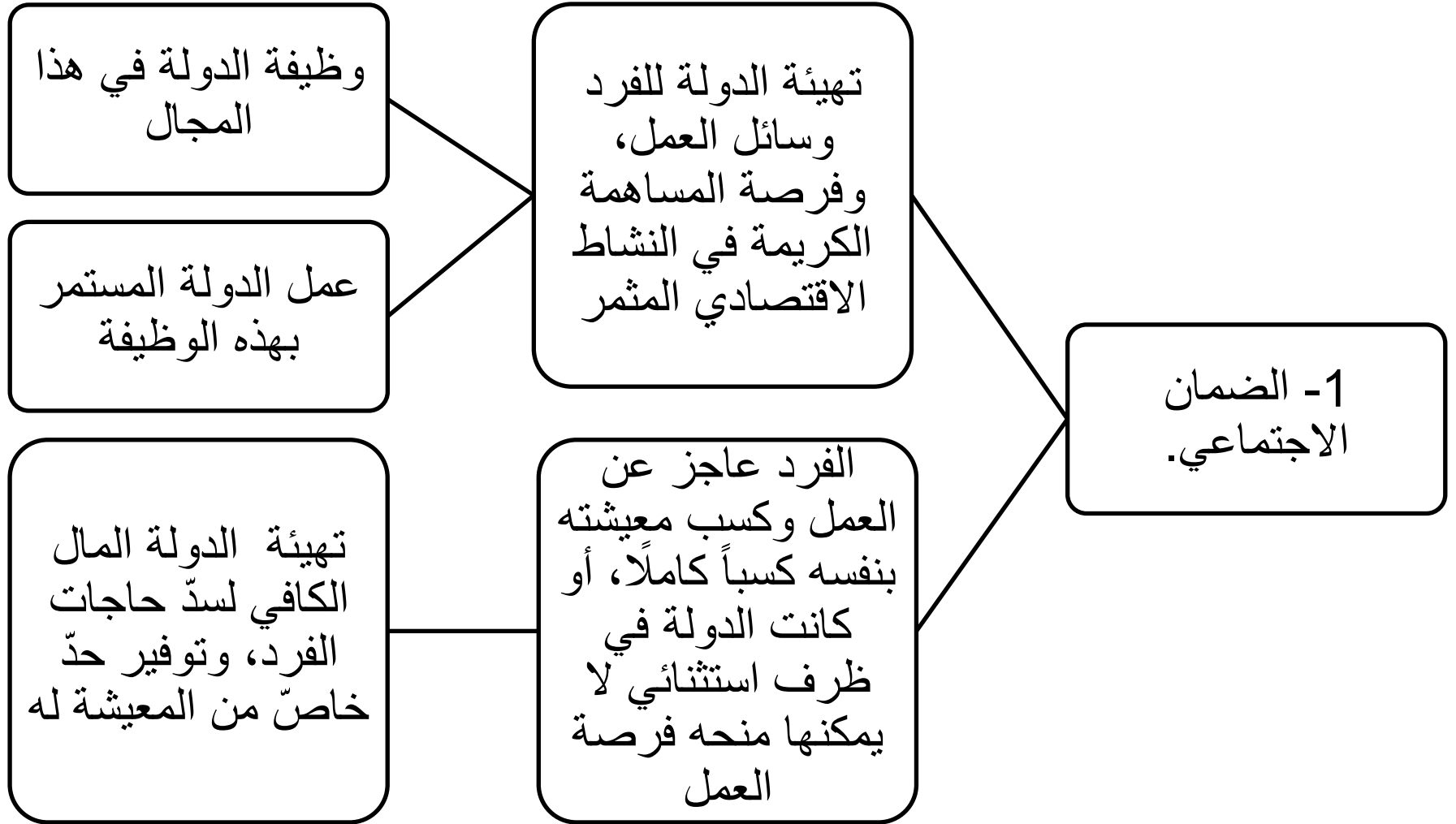
تهيئة الدولة للفرد  
وسائل العمل،  
وفرصة المساهمة  
الكريمة في النشاط  
الاقتصادي المثمر

1- الضمان  
الاجتماعي.

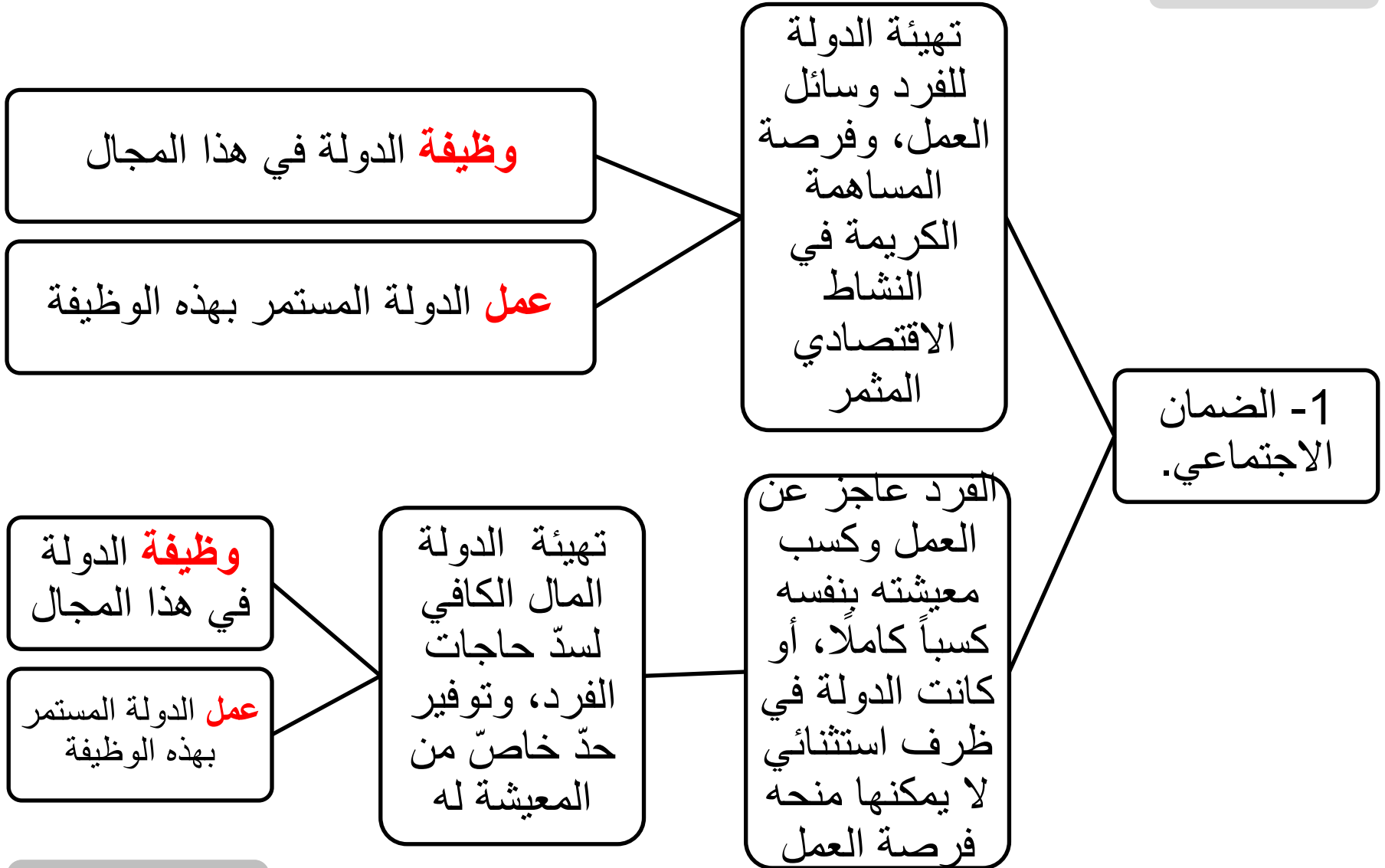
الفرد عاجز عن  
العمل وكسب معيشته  
بنفسه كسباً كاملاً، أو  
كانت الدولة في  
ظرف استثنائي لا  
يمكنها منحه فرصة  
العمل

تهيئة الدولة المال  
الكافي لسدّ حاجات  
الفرد، وتوفير حدّ  
خاصّ من المعيشة له

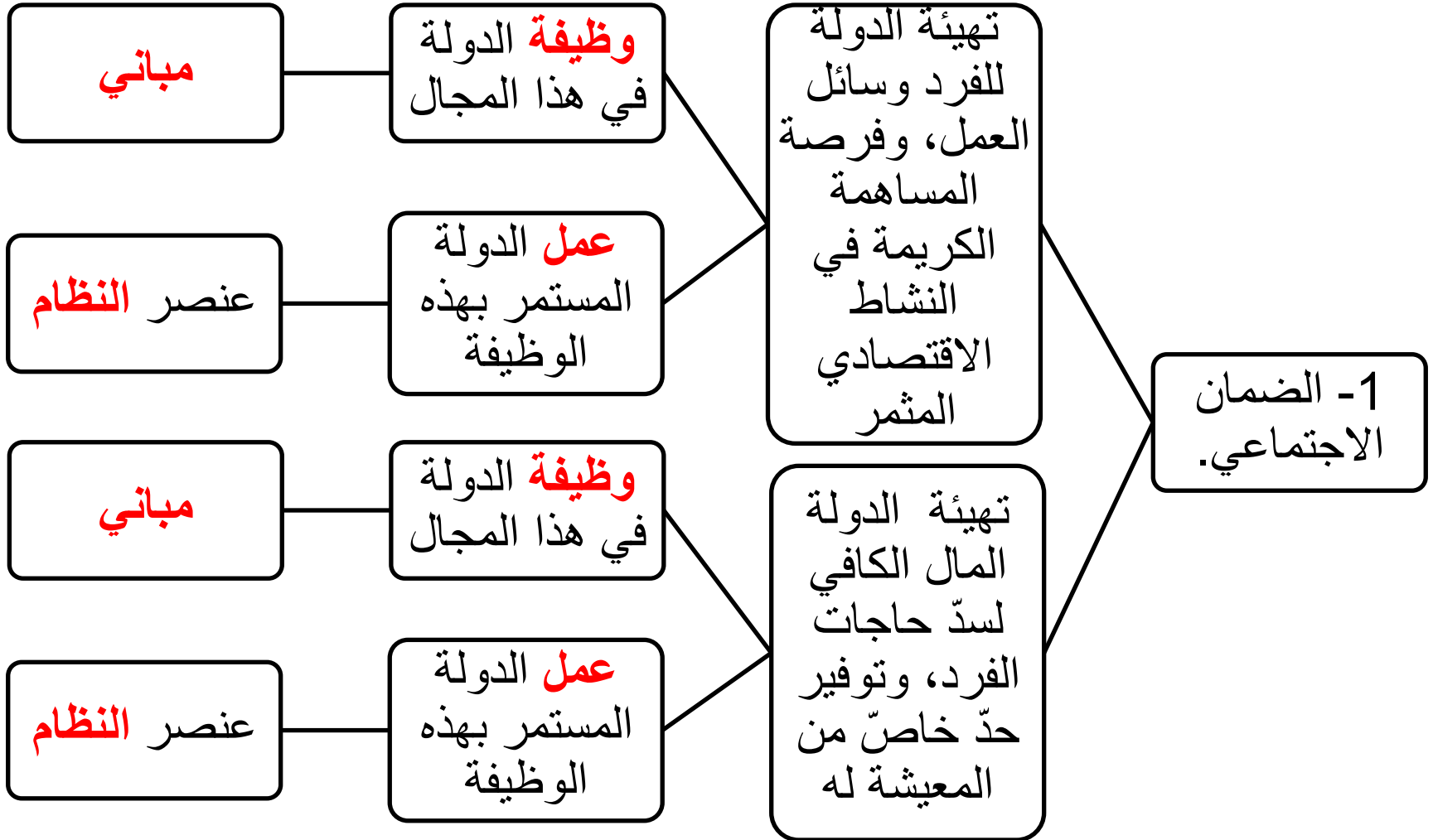
# ١. عدالت اقتصادي



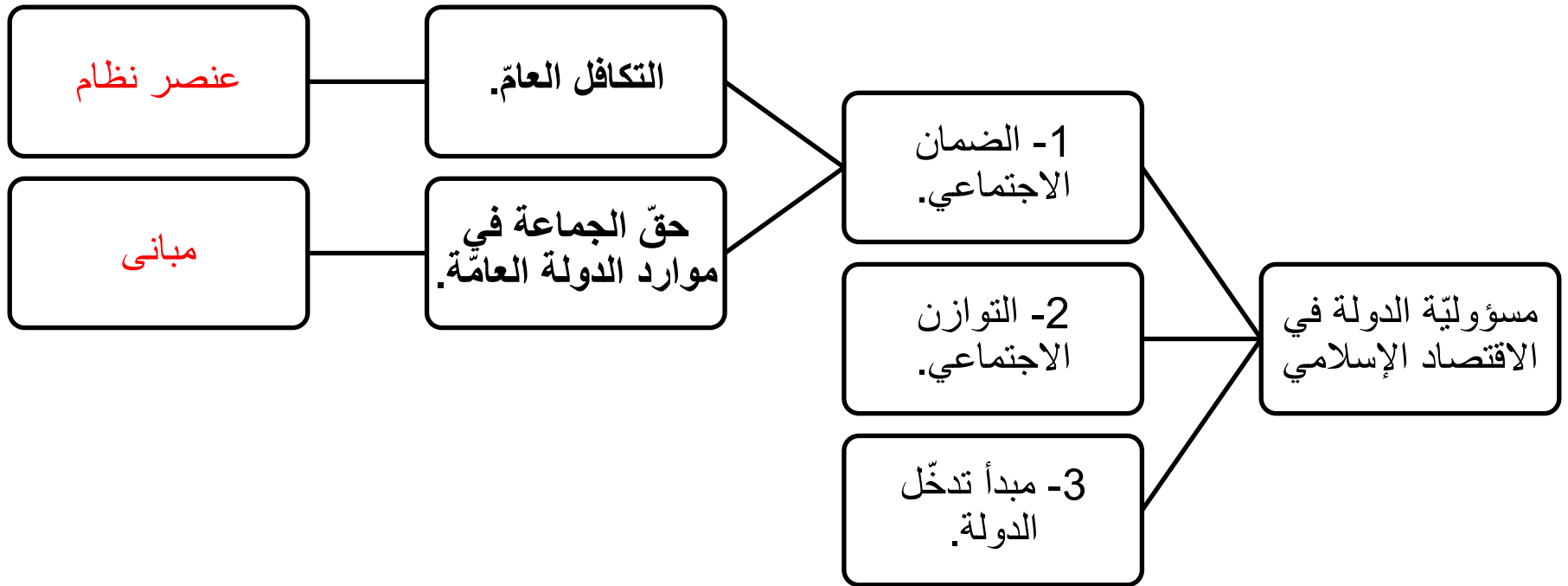
# ١. عدالت اقتصادي



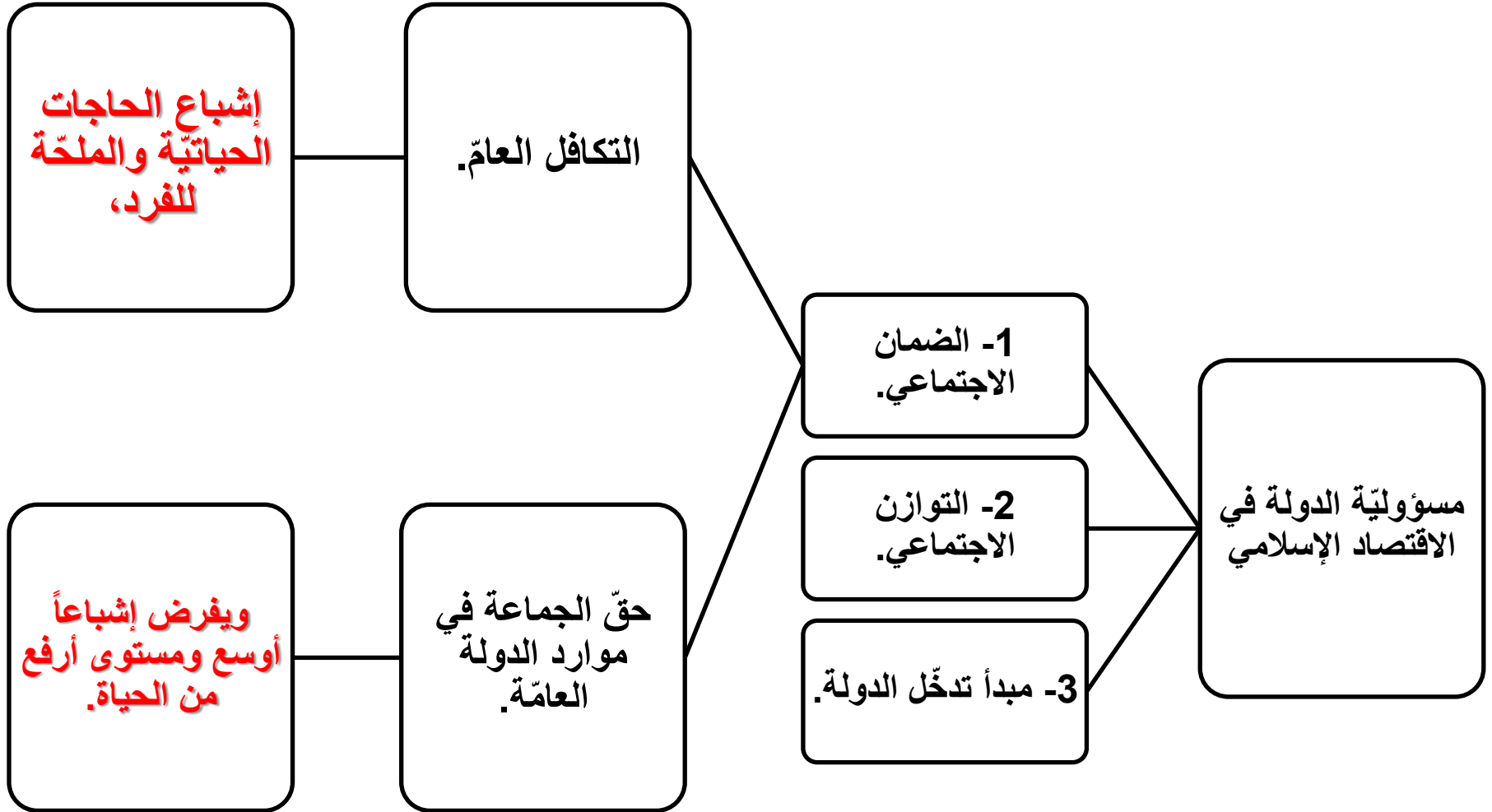
# ١. عدالت اقتصادي



# ١. عدالت اقتصادي



# ١. عدالت اقتصادي



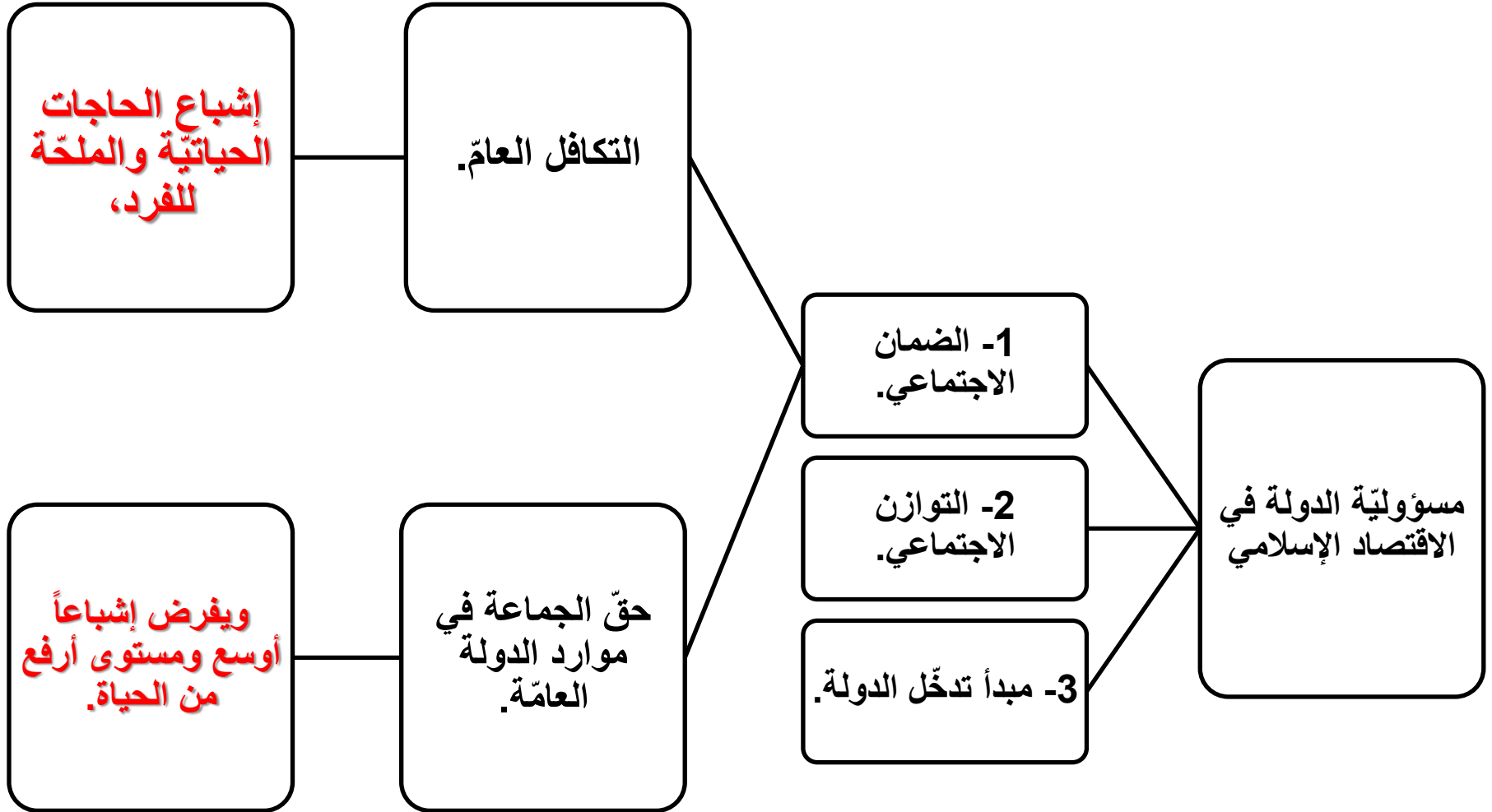
مبدأ التكافل  
العالم.

مبدأ التوازن  
الاجتماعي

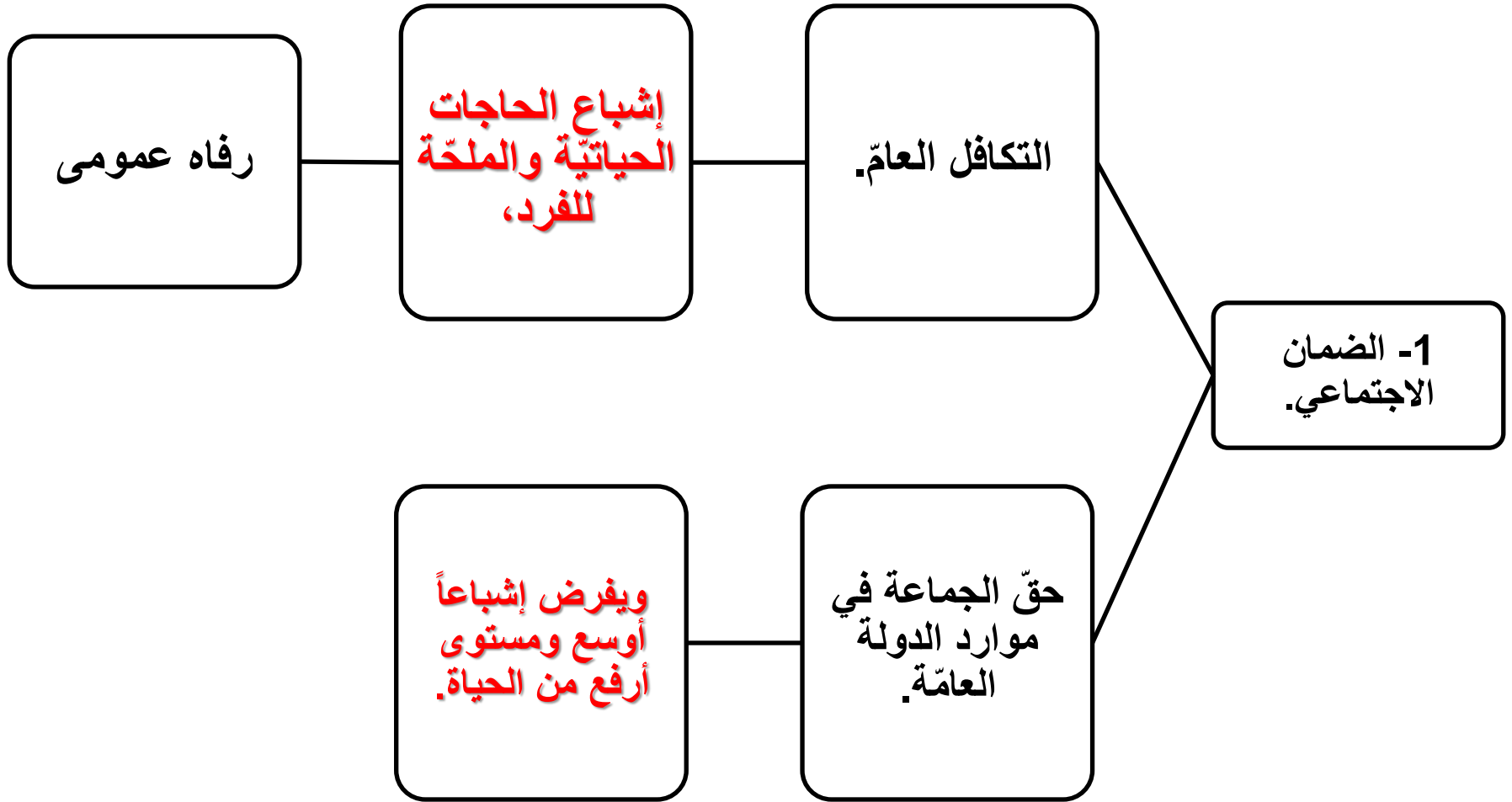
مبدأ العدالة  
الاجتماعية



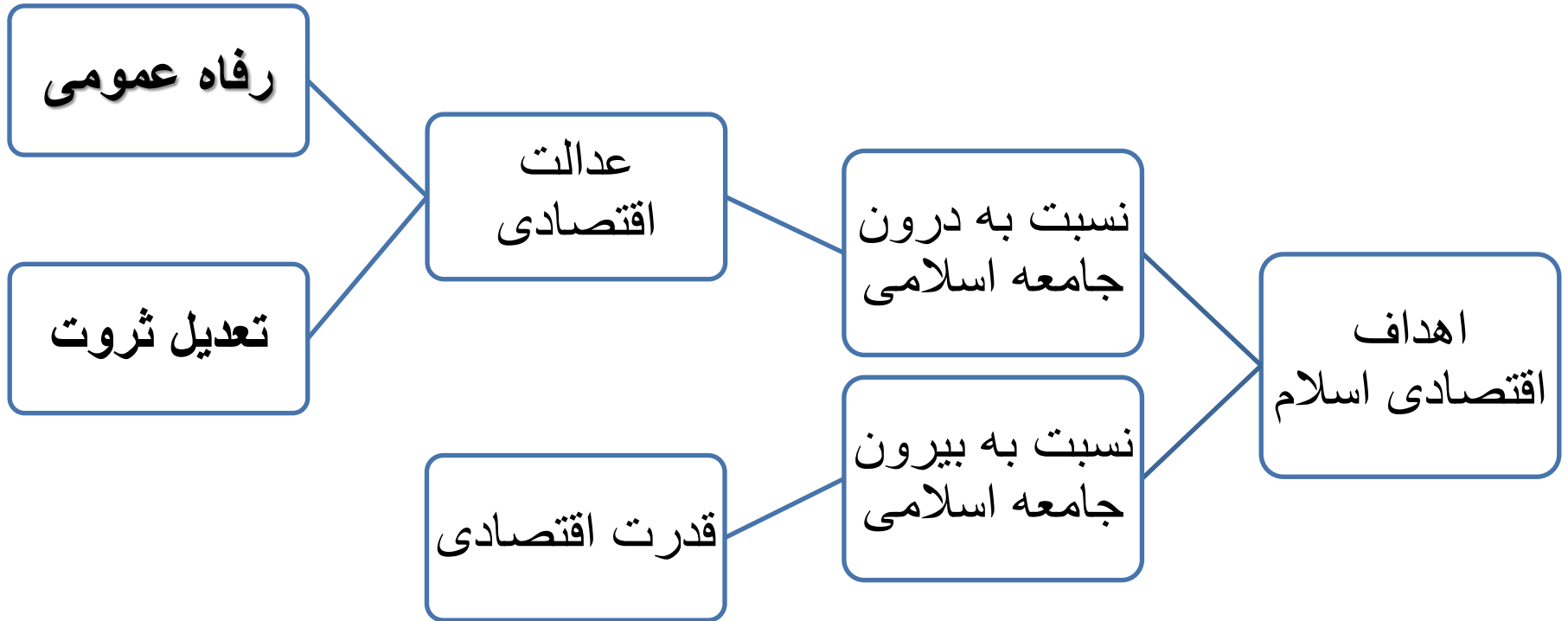
# ١. عدالت اقتصادى



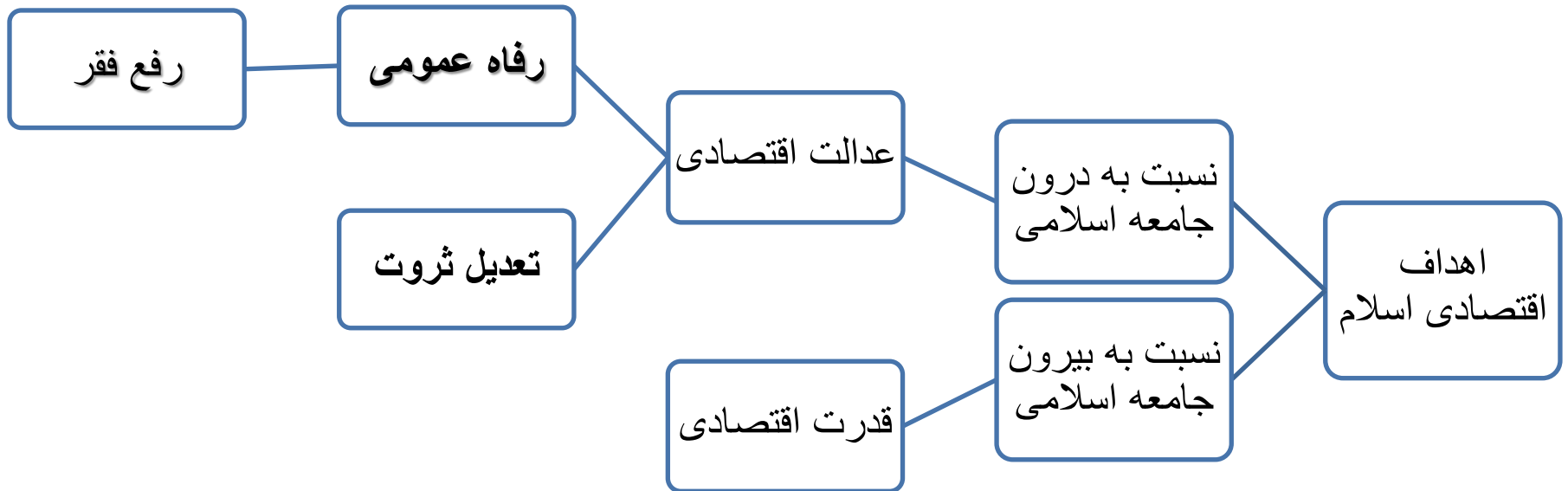
# ١. عدالت اقتصادي



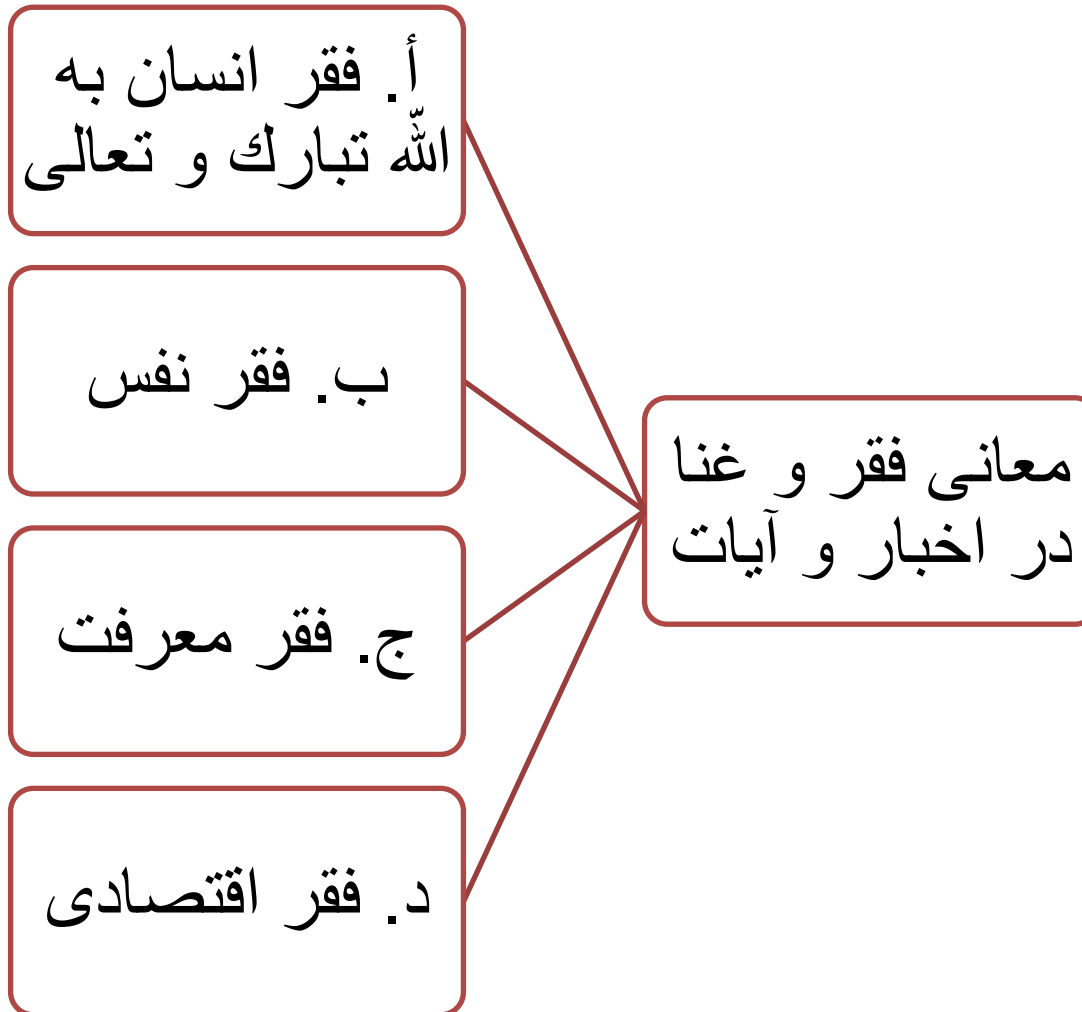
# توسعه یافتگی اقتصادی



## توسعه یافتگی اقتصادی



# عناصر عدالت اقتصادی



## عناصر عدالت اقتصادی

- أ. فقر انسان به الله تبارک و تعالی: این معنا در آیهی شریفه «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید» (۶۱؛) ای مردم، شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی‌نیاز و ستوده است) به صراحت قصد شده است.
- در اینجا همه‌ی انسان‌ها «فقیر» و الله تبارک و تعالی «غنی» معرفی شده است. این فقر، فقر ذاتی آدمیان و حاجت همیشگی آنان به غنی مطلق، خداوند (جل و علا) است. چنین فقری قابل زوال نیست.
- سیه رویی ز ممکن در دو عالم // جدا هرگز نشد و الله أعلم (۶۲)

## عناصر عدالت اقتصادی

- ب. فقر نفس: انسانی که خود را نیازمند مال و مقام می‌بیند، در جان و روحش فقر ریشه دوانده که بدترین فقرهاست. علی علیه السلام می‌فرماید: «فقر النفس شر الفقر» (۶۴) فقر نفس بدترین فقر است، این همان طمع و آز است که جان را می‌خورد و از درون می‌پوساند.

## عناصر عدالت اقتصادی

- رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در پاسخ به مردی که از ایشان درخواست توصیه‌ای داشت، فرمودند: «ایک و الطمع فانه فقر حاضر و علیک بالیأس عما فی أیدی الناس» (۶۵) (بر حذر باش از طمع و آرز که فقری واضح و موجود است و بر تو باد که از آنچه در دست های مردمان است، مأیوس باشی.)
- این فقر نوعی بیماری روانی و ضعف نفسانی است. چنین فقیری هر چه کسب کند به فقرش افزوده می‌شود و شعله‌های طمعش شعله‌ورتر می‌گردد. غنای از دیگران و دل نبستن به مال و جاهشان غنای مقابل این فقر است.



## عناصر عدالت اقتصادی

- ج. فقر معرفت: آن که به حقایق عالم توجه ندارد و از کُنه آنچه در اطراف اومی گذرد، بی خبر است، فقیر است. جهالت اوفقر اوست و عمل جاهلانه‌ی او حکایت از نیازمندی اودارد. در مقابل، آن که آگاه و بصیر است و با درایت الهی دست به عمل می‌زند، اوبی‌نیاز است. علی علیه السلام می‌فرماید: «لا غنی کالعقل و لا فقر کالجهل» (۶۶) (هیچ بی‌نیازی مانند عقل و هیچ فقری بسان جهل نیست).

## عناصر عدالت اقتصادی

- امام علی علیه السلام در خطاب به فرزند خود محمد حنفیه می فرماید: «یا بُنِیَّ اِنِّیْ اُخَافُ عَلَیْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنْهُ فَاِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّیْنِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِیَةٌ لِلْمَقْتِ» (۶۷) ای فرزندم! من از فقر بر تو ترسانم، پس از آن به خدا پناه ببر، زیرا فقر مایه‌ی کاستی دین، سرگردانی عقل و دل‌مردگی است).
- وَ قَالَ عَ لِبْنِهِ مُحَمَّدَ ابْنِ الْحَنْفِیَّةِ یَا بُنِیَّ اِنِّیْ اُخَافُ عَلَیْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ مِنْهُ فَاِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّیْنِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِیَةٌ لِلْمَقْتِ
- نهج البلاغه (للصبحی صالح) ص : ۵۳۱ رقم [۳۲۵] ۳۱۹

## عناصر عدالت اقتصادی

- ودر جای دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام فقر را مرگ بزرگ می‌شمارد «الفقر، الموت الاکبر» (۶۸)
- وَقَالَ عَ الْفَقْرُ الْمَوْتُ الْاَكْبَرُ
- نهج البلاغه (للسبحة صالح)، ص ۵۰۰، رقم [۱۶۵] ۱۶۳

## عناصر عدالت اقتصادی

- و بنا به نقلی می فرماید: اگر فقر در قالب مردی برایم تجلی می کرد،  
اورا می کشتم (۶۹).
- قد ورد عنه صلی الله علیه و آله و سلم: «الفقر سواد الوجه فی  
الدارین» «۴» و «لو مثل لی الفقر لقتلته»
- (۴). عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۴۱، ح ۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۶۹، ص  
۳۰.
- مجموعه رسائل در شرح احادیثی از کافی ج ۲ ص ۲۱۹ (۲۳).  
شرح دعاء النبی صلی الله علیه و آله بعد الصلاة / محمد بن عبدالله  
بن علی بحرانی ۱۸۹، تحقیق: محمد حسین درایتی)

## عناصر عدالت اقتصادی

- از این رو، قرآن کریم صدقات را برای برطرف ساختن فقر قرار می‌دهد و می‌فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ...» (۷۰)؛ صدقات، تنها به تهیدستان ... اختصاص دارد.

- التوبة : ۶۰ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

## عناصر عدالت اقتصادی

- و ترس از فقر را یکی از دستاویزهای شیطان معرفی می‌کند: «الشیطان یعدکم الفقر» (۷۱)؛ شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد.

- البقرة : ۲۶۸ الشَّيْطَانُ يُعِدُّكُمْ الْفَقْرَ وَ يَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ وَ اللَّهُ يُعِدُّكُمْ مَغْفِرَةً مِنْهُ وَ فَضْلًا وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

## عناصر عدالت اقتصادی

- با این همه، آنچه بیش از «فقر» می‌تواند آثار سوء در پی داشته باشد، احساس فقر و ناداری و کمبود است.
- از این رو، امام علی علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَيَّ أُمَّةَ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْلَا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ» (۷۲) خداوند بر پیشوایان حق واجب گردانیده که خود را با مردمان تنگدست برابر نهند تا اینکه بر فقیر، فقرش فشار نیآورد).
- نهج البلاغة (للصبي صالح)، ، ص ۳۲۴، الخطبة ۲۰۹

## عناصر عدالت اقتصادى

- ١٠٨٢ / ٣. عَلَىُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ أَبِي حَمَّادٍ؛ وَ عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَ غَيْرِهِمَا بِأَسَانِيدٍ مُخْتَلِفَةٍ:
- فِي احْتِجَاجِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى عَاصِمِ بْنِ زِيَادٍ حِينَ لَبَسَ الْعَبَاءَ، وَ تَرَكَ الْمُلَاءَ «١١»، وَ شَكَاهُ أَخُوهُ الرَّبِيعُ بْنُ زِيَادٍ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَدْ غَمَّ أَهْلَهُ،
- (١١). «الملاء»: جمع الملاءة، و هى الإزار و الربطة، و هى المِلْحَفَةُ. و قيل: هو كلُّ ثوبٍ لِيْنٍ رقيق. راجع: لسان العرب، ج ١، ص ١٦٠؛ مجمع البحرين، ج ١، ص ٣٩٨ (ملاً).

كافى (ط - دار الحديث) ج ٢ ص ٣٥٧ ١٠٦ - باب سيرة الإمام فى نفسه و فى المطعم و الملبس إذا و لى الأمر



## عناصر عدالت اقتصادی

- وَ أَحْزَنَ وُلْدَهُ بِذَلِكَ، فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «عَلَى بَعَاصِمِ بْنِ زِيَادٍ». فَجِئَ بِهِ، فَلَمَّا رَأَاهُ عَبَسَ «١» فِي وَجْهِهِ، فَقَالَ لَهُ: «أَمَّا اسْتَحْيَيْتَ «٢» مِنْ أَهْلِكَ؟ أَمَّا رَحِمْتَ وَ لُدَّكَ؟ أ تُرَى ١ / ٤١١

كافي (ط - دار الحديث) ج ٢ ص ٣٥٨ ١٠٦ - باب سيرة الإمام في نفسه و في المطعم و الملبس إذا و لى الأمر

## عناصر عدالت اقتصادى

- اللَّهُ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَهُوَ يَكْرَهُ أَخْذَكَ مِنْهَا؟ أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ، أَوْ لَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ فِيهَا فَكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ»؟ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ «٣» يَقُولُ: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ» إِلَى قَوْلِهِ «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» «٤»؟ فَبِاللَّهِ «٥»، لِابْتِدَالِ نَعَمِ اللَّهِ بِالْفَعَالِ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ ابْتِدَالِهَا «٦» بِالْمَقَالِ، وَقَدْ قَالَ اللَّهُ «٧» «عَزَّ وَجَلَّ»: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» «٨».

كافي (ط - دار الحديث) ج ٢ ص ٣٥٨ ١٠٦ - باب سيرة الإمام فى نفسه و فى المطعم و الملبس إذا و لى الأمر

## عناصر عدالت اقتصادى

- قَالَ عَاصِمٌ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَعَلَى مَا «٩» اِقْتَصَرْتَ فِي مَطْعَمِكَ عَلَى الْجُشُوبَةِ، وَ فِي مَلْبَسِكَ عَلَى الْخُشُونَةِ؟ فَقَالَ: «وَيَحْكُ، إِنَّ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - فَرَضَ عَلَى أُمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَّبِعُ \* «١٠» بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ». فَأَلْقَى عَاصِمُ بْنُ زِيَادٍ «١١» الْعَبَاءَ، وَ لَبَسَ الْمُلَاءَ. «١٢»

- \* و قوله: «يتبع»، أى يتهيج. و يقال: أصله يتبعى من البغى، فقلب، مثل جذب و جذب. الصحاح، ج ٤، ص ١٣١٧ (بوغ).

كافى (ط - دار الحديث) ج ٢ ص ٣٥٨ ١٠٦ - باب سيرة الإمام فى نفسه و فى المطعم و الملبس إذا و لى الأمر

## عناصر عدالت اقتصادى

- (١). فى «ف»: «عبس».
  - (٢). فى «بر»: «استحيت».
  - (٣). فى الوسائل و البحار: - / «الله».
  - (٤). الرحمن (٥٥): ١٠ - / ١١ و ١٩ - ٢٢.
  - (٥). فى «ض، بر، بس» و حاشية «ج، بف»: «فيا لله». و فى «ف»: «فالله».
  - (٦). فى «ب، ج، ض، ف، بح، بف» و الوافى: «ابتذاله لها». و قال فى الوافى: «ابتذال النعمة بالفعال: أن يصرفها فيما ينبغى متوسعا من غير ضيق. و بالمقال: أن يدعى الغناء و يظهر بلسانه الاستغناء بها».
  - (٧). فى «بح، بس»: - / «الله».
  - (٨). الضحى (٩٣): ١١.
  - (٩). فى الوسائل: «فعالم».
  - (١٠). فى «بر»: «لكيلا يتبيغ». و فى حاشية «ج»: «كيلا تبغ». و فى حاشية «ف»: «كيلا يبيغ». و قوله: «يتبيغ»، أى يتهيج. و يقال: أصله يتبغى من البغى، فقلب، مثل جذب و جذب. الصحاح، ج ٤، ص ١٣١٧ (بوغ).
  - (١١). فى الوسائل: - / «بن زياد».
  - (١٢). نهج البلاغة، ص ٣٢٤، الخطبة ٢٠٩، مع اختلاف يسير. و راجع: الاختصاص، ص ١٥٢ الوافى، ج ٣، ص ٦٥، ح ١٢٥٧؛ الوسائل، ج ٥، ص ١١٢، ح ٦٠٧٣؛ البحار، ج ٤١، ص ١٢٣، ح ٣٢.
- كافى (ط - دار الحديث) ج ٢ ص ٣٥٧ ١٠٦ - باب سيرة الإمام فى نفسه و فى المطعم و الملبس إذا و لى الأمر

## عناصر عدالت اقتصادی

- این احساس ناداری و نیازمندی است که نزدیک به کفر شمرده شده و رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در موردش فرموده است: «كاد الفقر أن يكون كفراً» (۷۳) (نزدیک است فقر کفر باشد).
- کافی (ط - دارالحدیث) ج ۳ ص ۷۴۸

## عناصر عدالت اقتصادی

- ۲۵۴۹ / ۴. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا، وَكَادَ الْحَسَدُ أَنْ يَغْلِبَ الْقَدَرَ» «۳» «۴»

## عناصر عدالت اقتصادی

- (۳). فی الوافی: «لعلّ المراد بغلبة القدر ما قدر للحاسد و المحسود من الخیر».
- (۴). الخصال، ص ۱۱، باب الواحد، ح ۴۰، عن حمزة بن محمد، عن علی بن ابراهیم بن هاشم، عن ابيه، عن ابن المغيرة، عن السكوني، عن جعفر بن محمد، عن آباءه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آله. الأموال للصدوق، ص ۲۹۵، المجلس ۴۹، ح ۶، بسند آخر. عيون الأخبار، ج ۲، ص ۱۳۲، ح ۱۶، بسند آخر عن الرضا، عن آباءه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه و آله، و تمام الرواية فيه: «كاد الحسد أن يسبق القدر» الوافی، ج ۵، ص ۸۶۰، ح ۳۱۵۵؛ الوسائل، ج ۱۵، ص ۳۶۵، ح ۲۰۷۵۷؛ البحار، ج ۷۳، ص ۲۴۶، ح ۴.

## عناصر عدالت اقتصادی

- به دلیل نقش مهمی که این حالت در زندگی انسان دارد، در بسیاری از روایات به همین معنای فقر، یعنی فقر نفس، اشاره و به عنوان بدترین فقر معرفی شده است (۷۴).
- البته بدتر بودن آن در مقایسه با فقر مالی است، یعنی فقر مالی بد است و فقر نفس بدتر.
- پس هر چند اسلام فقر مالی را نکوهیده می‌داند و آن را دارای آثار سوء اخلاقی و اجتماعی می‌شمارد، ولی فقر نفس را بدتر دانسته و عواقب شوم آن را بیشتر شمرده است.



## عناصر عدالت اقتصادی

- این فقر حتی با غنای مالی نیز قابل جمع است. یعنی چه بسا کسانی که در عین برخورداری از امکانات خوب رفاهی خود را فاقد آنچه باید می‌پندارند و با مقایسه‌ی خویش با دیگرانی که از امکانات بیشتری برخوردارند خویشتن را فقیر می‌پندارند.

## عناصر عدالت اقتصادی

- از سوی دیگر، چه بس افرادی که در فقر و تنگدستی بسر می‌برند، ولی در درون خود از آرامش و سکون برخوردارند و خویش را از آنچه در اختیار دیگران است، بی‌نیاز می‌بینند. این حالت که اهل معرفت از آن به «استغنا» تعبیر می‌کنند، بالاترین غنا و بی‌نیازی است.

## عناصر عدالت اقتصادی

- چنین حالتی هنگامی در آدمی پدید می‌آید که به مقام توکل رسیده و در جایگاه متوکلین منزل گزیده باشد. امام باقر علیه السلام از رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل می‌کند که حضرت فرمودند: «من أراد أن يكون أغنى الناس فليكن بما في يد الله أوثق منه بما في يد غيره» (۷۵) کسی که می‌خواهد بی‌نیازترین مردم باشد، می‌بایست به آنچه در دست خداست بیش از آنچه در دست دیگران است، اعتماد داشته باشد).

## عناصر عدالت اقتصادي

- ١٩٢٧ / ٨. عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ **الْحُسَيْنِ بْنِ الْفُرَاتِ**، عَنْ **عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ**، عَنْ جَابِرٍ:
- عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ «٧» عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَغْنَى النَّاسِ، فَلْيَكُنْ بِمَا فِي يَدِ «٨» اللَّهِ أَوْثَقَ مِنْهُ بِمَا فِي يَدِ «٩» غَيْرِهِ». «١٠»
- (٧). فِي «ب»: «أَبِي عَبْدِ اللَّهِ».

## عناصر عدالت اقتصادی

- (۸). فی «ز، ص ض، ف»: «یدی».
- (۹). فی «ف، بر»: «یدی».
- (۱۰). الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۰، ح ۵۸۵۸؛ والأمالی للصدوق، ص ۳۰۵، المجلس ۵۰، ح ۱۱؛ ومعانی الأخبار، ص ۱۹۶، ح ۲، بسند آخر عن أبي عبد الله، عن آباءه عليهم السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله. تحف العقول، ص ۲۷، عن رسول الله صلى الله عليه وآله، وفي كلها مع زيادة في أوله وآخره؛ فقه الرضا عليه السلام، ص ۳۶۴، وفي كلها مع اختلاف يسير. راجع: الأمالی للمفيد، ص ۳۵۰، المجلس ۴۲، ح ۱؛ والأمالی للطوسی، ص ۱۲۰، المجلس ۴، ح ۱۸۷؛ و فقه الرضا عليه السلام، ص ۳۶۴ الوافی، ج ۴، ص ۴۱۰، ح ۲۲۱۲؛ الوسائل، ج ۲۱، ص ۵۳۱، ح ۲۷۷۷۸؛ البحار، ج ۷۳، ص ۱۷۷، ح ۲۰.

## عناصر عدالت اقتصادی

- همانگونه که فقر مالی در اسلام بد شمرده شده، از ثروت به عنوان امری که فی حد نفسه مطلوب است، یاد شده است.
- رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم می فرمایند: «نعم العون علی تقوی الله الغنی» (۷۶) ثروت چه کمک نیکویی در مسیر تقوای الهی است. یعنی ثروت آرامشی را در زندگی می تواند پدید آورد که نتیجه‌ی آن سلامت جان از پلیدی‌ها باشد.

## عناصر عدالت اقتصادی

- ۳- بَابُ الْإِسْتِعَانَةِ بِالْدُنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ
- ۸۳۵۶ / ۱. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ:
- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغِنَى». «۵»
- (۵). الجعفریات، ص ۱۵۵، بسند آخر. الفقيه، ج ۳، ص ۱۵۶، ح ۳۵۷۰، مرسلًا عن رسول اللّٰه صلي الله عليه و آله؛ تحف العقول، ص ۴۹، عن النبي صلي الله عليه و آله الوافي، ج ۱۷، ص ۳۷، ح ۱۶۸۲۴؛ الوسائل، ج ۱۷، ص ۲۹، ح ۲۱۸۹۷.

## عناصر عدالت اقتصادی

- البته ثروتی ممدوح است که موجب غفلت از خدا و طغیان در برابر او نگردد. کسی که ثروت را نتیجه‌ی کار خویش بیند و آن را عامل بی‌نیازی از حضرت حق (جل و علا) پندارد، نه تنها ثروتش او را در مسیر حق یاری نمی‌کند، بلکه هر چه افزون تر گردد، باعث گمراهی بیشتر او می‌شود



## عناصر عدالت اقتصادی

- واین همان است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود: «إِنَّمَا أَتَخَوَّفُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي ثَلَاثَ خِصَالٍ: ... أَوْ يَظْهَرُ فِيهِمُ الْمَالُ حَتَّى يَطْغَوْا وَ يَبْطُرُوا» (۷۷) بر امت خویش پس از خود، از سه خصلت هراسناکم: ... «یکی از آنها» مال در بینشان فراوان گردد به گونه‌ای که طغیان کنند و سرمست و غافل شوند).

## عناصر عدالت اقتصادي

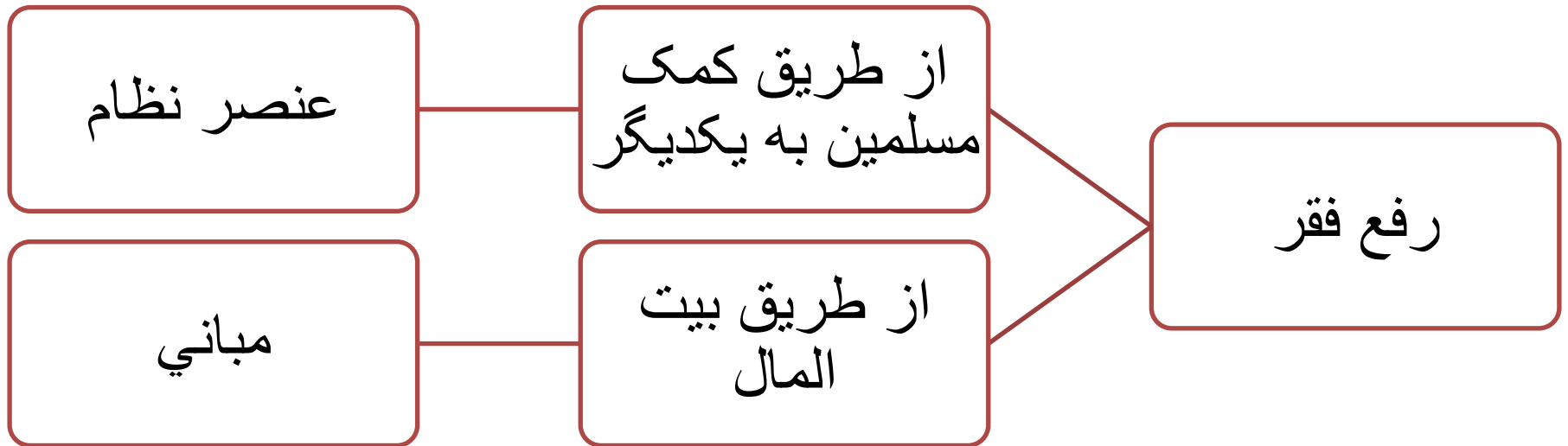
- ٥- ل، الخصال علي بن عبد الله الأسواري عن أحمد بن محمد بن محمد بن قيس عن أبي يعقوب عن علي بن خشرم عن عيسى عن ابن عبدة عن محمد بن كعب قال قال رسول الله ص إنما أتخوفُ علي أمتي من بعدي ثلاث خلال أن يتأولوا القرآن علي غير تأويله و يتبعوا زلة العالم أو يظهر فيهم المال حتى يطغوا و يبظروا و سانبكم المخرج من ذلك أما القرآن فاعملوا بمحكمه و آمنوا بمتشابهه و أما العالم فانظروا فتنه و لا تتبعوا زلته و أما المال فإن المخرج منه شكر النعمة و أداء حقه «٣».

- (٢) الخصال ج ١ ص ٧٨.

از طریق کمک  
مسلمین به یکدیگر

از طریق بیت  
المال

رفع فقر



## ١. عدالت اقتصادى

- الأساس الأول للضمان الاجتماعى:
- فالأساس الأول للضمان الاجتماعى: هو التكافل العامّ،
- والتكافل العامّ هو المبدأ الذى يفرض فيه الإسلام على المسلمين كفاية كفالة بعضهم لبعض، ويجعل من هذه الكفالة فريضة على المسلم فى حدود ظروفه وإمكاناته يجب عليه أن يؤدّيها على أىّ حال كما يؤدّى سائر فرائضه.

## ١. عدالت اقتصادى

- والضمان الاجتماعى الذى تمارسه الدولة على أساس هذا المبدأ للتكافل العامّ بين المسلمين يعبرّ فى الحقيقة عن دور الدولة فى إزام رعاياها بامثال ما يُكَلَّفون به شرعاً، ورعايتها لتطبيق المسلمين أحكام الإسلام على أنفسهم.

## ١. عدالت اقتصادى

• فهى بوصفها الأمانة على تطبيق أحكام الإسلام، والقادرة على الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر مسؤولة عن أمانتها، ومخولة حق إكراه كل فرد على أداء واجباته الشرعية، وامتنال التكاليف التى كلفه الله بها. فكما يكون لها حق إكراه المسلمين على الخروج إلى الجهاد لدى وجوبه عليهم كذلك لها حق إكراههم على القيام بواجباتهم فى كفالة العاجزين إذا امتنعوا عن القيام بها.

## ١. عدالت اقتصادى

- وبموجب هذا الحق يتاح لها أن تضمن حياة العاجزين وكالة عن المسلمين، وتفرض عليهم فى حدود صلاحياتها مد هذا الضمان بالقدر الكافى من المال، الذى يجعلهم قد أدوا الفريضة وامثلوا أمر الله تعالى.



## ١. عدالت اقتصادى

- ولأجل أن نعرف حدود الضمان الاجتماعى الذى تمارسه الدولة على أساس مبدأ التكافل، ونوع الحاجات التى يضمن إشباعها يجب أن نستعرض بعض النصوص التشريعية التى أشارت إلى مبدأ التكافل؛ لنحدد فى ضوءها القدر الواجب من الكفالة على المسلمين، وبالتالى حدود الضمان الذى تمارسه الدولة على هذا الأساس.

## ١. عدالت اقتصادى

- فقد جاء فى الحديث الصحيح عن سماعة: «أَنَّه سأل الإمام جعفر بن محمد عن قوم عندهم فضل، وبإخوانهم حاجة شديدة، وليس يسعهم الزكاة أيسعهم أن يشبعوا ويجوع إخوانهم فإنَّ الزمان شديد؟ فردَّ الإمام عليه قائلاً: إنَّ المسلم أخ المسلم لا يظلمه، ولا يخذله، ولا يحرمه، فيحقُّ على المسلمين الاجتهاد فيه والتواصل والتعاون عليه، والمواساة لأهل الحاجة» «١».
- (١) وسائل الشيعة ١٦: ٣٨٥، الباب ٣٧ من أبواب فعل المعروف، الحديث الأوَّل

## تَحْرِيمُ تَرْكِ مَعُونَةِ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

- «١» ٣٧ بَابُ تَحْرِيمِ تَرْكِ مَعُونَةِ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ ضَرُورَتِهِ
- ٢١٨٣٠ - ١ - «٢» مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنِ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ عَيْسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع قُلْتُ قَوْمٌ عِنْدَهُمْ فَضُولٌ - وَبِإِخْوَانِهِمْ حَاجَةٌ شَدِيدَةٌ - وَلَيْسَ تَسْعُهُمُ الزَّكَاةُ - أَيْسَعُهُمْ أَنْ يَشْبَعُوا وَيَجُوعَ إِخْوَانُهُمْ - فَإِنَّ الزَّمَانَ شَدِيدٌ

تَحْرِيمِ تَرْكِ مَعُونَةِ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

• فَقَالَ ع - الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ - لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يَخْذُلُهُ وَ لَا يَحْرِمُهُ - فَيَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِجْتِهَادُ فِيهِ - وَ التَّوَاصُلُ وَ التَّعَاوُنُ عَلَيْهِ - وَ الْمُوَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَ الْعَطْفُ مِنْكُمْ - تَكُونُونَ عَلَى مَا أَمَرَ اللَّهُ فِيهِمْ - رُحَمَاءَ بَيْنَكُمْ مُتَرَاحِمِينَ .

• (٢) - الكافي ٤ - ٥٠ - ١٦ .

تَحْرِيمِ تَرْكِ مَعُونَةِ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

• ۲۱۸۳۱ - ۲ - «۳» وَ عَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ  
 بِنِ خَالِدٍ وَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ  
 حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَعْدَانَ عَنْ حُسَيْنِ  
 بْنِ أَمِينٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ:

• مَنْ بَخِلَ بِمَعُونَةِ أَخِيهِ - وَ الْقِيَامَ لَهُ فِي حَاجَتِهِ - إِلَّا  
 ابْتُلِيَ بِمَعُونَةٍ مِنْ يَأْتُمُّ عَلَيْهِ وَ لَا يُؤْجَرُ.

تَحْرِيمِ تَرْكِ مَعُونَةِ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

• ٢١٨٣٢ - ٣ - «٤» وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِنَا أَتَى رَجُلًا مِنْ إِخْوَانِهِ - فَاسْتَعَانَ بِهِ فِي حَاجَتِهِ - فَلَمْ يُعِنِهِ وَ هُوَ يَقْدِرُ - إِلَّا ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِأَنْ يَقْضِيَ حَوَائِجَ عِدَّةٍ مِنْ أَعْدَائِنَا - يُعَذِّبُهُ اللَّهُ عَلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

## تَحْرِيمُ تَرْكِ مَعُونَةِ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

- وَ رَوَاهُ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ إِدْرِيسَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ «١» وَ الَّذِي قَبْلَهُ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ أَنَسٍ وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ «٢» وَ الَّذِي قَبْلَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ مِثْلَهُ.

(١) - المحاسن ٩٩ - ٦٨.

• (٢) - عقاب الأعمال - ٢٩٧ - ١.

## تَحْرِيمُ تَرْكِ مَعُونَةِ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

• ٢١٨٣٣ - ٤ - «٣» وَ عَنِ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُسْلَمَ عَنِ الْخَطَّابِ بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ سَدِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمْ يَدَعْ رَجُلٌ مَعُونَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ - حَتَّى يَسْعَى فِيهَا وَ يُوَاسِيَهُ - إِلَّا ابْتُلِيَ بِمَعُونَةٍ مِنْ يَأْتُمُّ وَ لَا يُؤْجَرُ.

• (٣) - الكافي ٢ - ٣٦٦ - ٣.



تَحْرِيمِ تَرْكِ مَعُونَةِ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ ضُرُورَتِهِ

• ٢١٨٣٤ - ٥ - «٤» وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ  
 مُعَلَّى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ «٥» عَنِ عَلِيِّ بْنِ  
 جَعْفَرٍ عَنِ أَبِي الْحَسَنِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ قَصَدَ  
 إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ - مُسْتَجِيرًا بِهِ فِي بَعْضِ  
 أَحْوَالِهِ - فَلَمْ يُجِرْهُ بَعْدَ أَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ - فَقَدْ قَطَعَ  
 وَلايَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

• (٤) - الكافي ٢ - ٣٦٦ - ٤.

• (٥) - في المصدر أحمد بن محمد بن عبد الله.

## تَحْرِيمِ تَرْكِ مَعُونَةِ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

- أقول: وَ تَقَدَّمَ مَا يَدُلُّ عَلَى ذَلِكَ «٦» وَ يَأْتِي مَا يَدُلُّ عَلَيْهِ «٧».
- (٦) - تقدم في الأحاديث ٥، ٩، ١٠ من الباب ٢٥ من هذه الأبواب.
- (٧) - ياتي في البابين ٣٨، ٣٩ من هذه الأبواب.

## ١. عدالت اقتصادی

- وفي حديث آخر: أن الإمام جعفرًا عليه السلام قال: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ، وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ، أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسْوُودًا وَجْهَهُ، مَزْرُوقَةً عَيْنَاهُ، مَغْلُولَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ، فَيَقَالُ: هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ، ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ»  
«٢».

- (٢) المصدر السابق: ٣٨٧ - ٣٨٨، الباب ٣٩ من أبواب فعل المعروف، الحديث الأول

## ١. عدالت اقتصادى

- وواضح أن الأمر به إلى النار يدلّ على أن المؤمن يجب عليه إشباع حاجة أخيه المؤمن في حدود قدرته؛ لأنّ الشخص لا يدخل النار إذا ترك شيئاً لا يجب عليه.
- والحاجة في هذا الحديث وإن جاءت مطلقة ولكن المقصود منها هو الحاجة الشديدة التي ورد الحديث الأول بشأنها؛ لأنّ غير الحاجات الشديدة لا يجب على المسلمين كفالتها وضمن إشباعها إجماعاً.

## تَحْرِيمُ مَنَعِ الْمُؤْمِنِ شَيْئًا عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

• «٥» ٣٩ بَابُ تَحْرِيمِ مَنَعِ الْمُؤْمِنِ شَيْئًا مِنْ عِنْدِهِ أَوْ عِنْدَ غَيْرِهِ عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

• ٢١٨٣٦ - ١ - «٦» مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ جَمِيعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ عَنْ فِرَاتِ بْنِ أَحْنَفَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَنَعَ مُؤْمِنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ - وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ - أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُسْوَدًّا وَجْهَهُ - مُزْرَقَةً عَيْنَاهُ - مَغْلُولَةً يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ - فَيَقَالُ هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ - ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ.

• (٦) - الكافي ٢ - ٣٦٧ - ١، و المحاسن ١٠٠ - ٧١.

## تَحْرِيمُ مَنَعِ الْمُؤْمِنِ شَيْئاً عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

- وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ مِثْلَهُ «١».

(١) - عقاب الأعمال ٢٨٦ - ١.

## تَحْرِيمُ مَنَعِ الْمُؤْمِنِ شَيْئاً عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

- ٢١٨٣٧ - ٢ - «٢» وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ ابْنِ سِنَانَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا يُونُسُ مَنْ حَبَسَ حَقًّا - الْمُؤْمِنِ - أَقَامَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ - خَمْسَمِائَةَ عَامٍ عَلَى رَجْلَيْهِ - حَتَّى يَسِيلَ عَرْقُهُ أَوْ دَمُهُ - «٣» وَ يُنَادِي مُنَادٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ - هَذَا الظَّالِمُ الَّذِي حَبَسَ عَنِ اللَّهِ حَقَّهُ - قَالَ فَيُؤَبَّخُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ثُمَّ يُؤَمَّرُ بِهِ إِلَى النَّارِ.
- (٢) - الكافي ٢ - ٣٦٧ - ٢.
- (٣) - في عقاب الأعمال ٢٨٦ - ١ من عرقه أودية.

## تَحْرِيمُ مَنَعِ الْمُؤْمِنِ شَيْئاً عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

- وَ رَوَاهُ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنْ ابْنِ سِنَانَ «٤» وَ الَّذِي قَبْلَهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَ رَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي عِقَابِ الْأَعْمَالِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ نَحْوَهُ «٥».
- (٤) - المحاسن ١٠٠ - ٧٢.
- (٥) - عقاب الأعمال ٢٨٦ - ١.



## تَحْرِيمِ مَنَعِ الْمُؤْمِنِ شَيْئاً عِنْدَ ضَرُورَتِهِ

• ۲۱۸۳۸ - ۳ - «۶» وَ بِالْإِسْنَادِ عَنْ ابْنِ سِنَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مَنْ كَانَتْ لَهُ دَارٌ فَاحْتَجَّ مُؤْمِنٌ إِلَى سُكْنَاهَا - فَمَنَعَهُ إِيَّاهَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - مَلَأْتُكَ بِأَخِي بَخِلَ عَبْدِي عَلَى عَبْدِي بِسُكْنِي الدُّنْيَا - وَ عَزَّتِي لَأَ يَسْكُنُ جَنَانِي أَبَدًا.

• (۶) - الكافي ۲ - ۳۶۷ - ۳.

• وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص: ۳۸۹



موسسه  
و حکمت  
و عفت  
عالمی